



شوک «ممدانی» به بازار املاک



دکتر امیرحسین تکیان
استاد سیاستگذاری سلامت
خصوصی سازی در آموزش پزشکی

در سال‌های اخیر، سیاست افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان پزشکی، با هدف ظاهری «افزایش حضور پزشکان در مناطق محروم» اجرا شده است. این اقدام، بدون توجه کافی به نیازهای واقعی و اصول آمایش سرزمینی، در شرایطی انجام شد که چالش‌های کلان ساختاری بسیاری از فارغ‌التحصیلان را از طبابت منصرف کرده است. نتیجه این سیاست، افت محسوس کیفیت آموزش پزشکی و آسیب جدی به نظام تربیت پزشک در کشور بوده است. این افزایش ظرفیت، با وجود مخالفت صریح نهادهای اصلی ذیربط از جمله وزارت بهداشت، فرهنگستان علوم پزشکی، نظام پزشکی، روسای دانشگاهها و صاحب نظران دلسوز، همچنان ادامه دارد. در این میان، خصوصی سازی آموزش پزشکی به عنوان راهکاری برای افزایش ظرفیت و جبران کمبود نیروی انسانی مطرح شده است؛ رویکردی که می‌تواند خسارت‌های بیشتری بر کیفیت آموزش و نظام سلامت کشور وارد کند.

اما از دیدگاه شهروند مطلعی که سال‌ها با نظام سلامت ایران زیسته و با سستی‌های به پژوهش پرداخته، این مصوبه نه یک فرصت، بلکه آغاز مسیری نافرمانج است که می‌تواند بنیان کیفیت خدمات سلامت در کشور را به لرزه اندازد. سوگ این نوع تصمیم‌های شتابزده و بی‌بنیان آن‌گاه جان‌سوزتر می‌نماید که در پوشش عدالت و نامی رسیدگی به محرومان عرضه می‌شود. آنچه اما در این میان قربانی می‌شود، دسترسی شهروندان ناپر خوردار و سسوق دادن ایشان به فقر و کاهش دسترسی به خدمات، بر اثر هزینه‌های خام‌ن سوز سلامت است که شوربختانه در بسیاری اقدامات پیشین که با لعاب کاهش نابرابری و بهبود عدالت انجام شده‌اند هم شاهد آن بوده‌ایم، در واقع به سخن مولانا: از قضا سرکنگبین صفرا فرود؛ روغن بادام خشکی می‌نمود به تجربه در یافتنم که سلامت، نه فقط درمان بیماری، بلکه نیکبودی کامل جسمی، روانی و اجتماعی شهروندان است که بر بستر تربیت منابع انسانی شایسته، اخلاق مدار و دانش‌محور بنیان می‌گیرد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌های علوم پزشکی، بر اساس قوانین بالادستی، از جمله سیاست‌های کلی سلامت، ستون فقرات حفظ این استاندارد در ایران هستند. انتقال مأموریت‌های حساس و پیچیده آموزش پزشکی به دانشگاه‌های غیرانتفاعی که عمدتاً تجربه محدود، زیرساخت ناکافی و اتصال ضعیف به شبکه علمی-په‌دانشی و درمانی کشور دارند، بدون نقشه راه شفاف و پایش شاخص‌های کیفی، نمونه‌ای بارز از سیاستگذاری ویرتینی است؛ تصمیمی که در ظاهر ظرفیت را افزایش می‌دهد، اما در باطن کیفیت را تهدید می‌کند و پیکر نحیف دسترسی به خدمات با کیفیت سلامت، که سال‌هاست اهمیت آن به اندازه دسترسی مورد تاکید قرار دارد، بی‌جان می‌سازد.

آموزش پزشکی، حوزه‌ای معمولی و دم دست نیست؛ در واقع در طول تاریخ همیشه مثل هیچ آموزش دیگری نبوده و تمایز آن از سایر رشته‌ها همواره آشکارتر شده است. اصولاً دلیل آن که پزشکان در بسیاری جوامع، شامل ایران عزیز ما، در صف نخست اعتماد عمومی قرار دارند هم شاید آن است که چون سلامت، رکن بنیادین تحقق عدالت اجتماعی است، آموزش پزشکی نیز خط مقدم امنیت اجتماعی است که تحقق آن فقط به فضای کلاس و امکانات ابتدایی نیست. پرورش پزشک و پرستار، همان‌قدر که به انتقال دانش علمی نیاز دارد، به تربیت مهارت بائینی، اخلاق حرفه‌ای و توان تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی وابسته است. این فرآیند پیچیده، نیازمند مراکز سلامت و مراکز بیمارستانی آموزشی فعال، هیات علمی با تجربه و اخلاق‌مدار علمی، نظام یکپارچه ارتباط با بیماران و محیطی منضبط از نظر استانداردهای آموزشی و اخلاقی است. واگذاری چنین مأموریتی به دانشگاه‌های غیرانتفاعی بسیاری، اگر نگوئیم تمام آنها، فاقد زیرساخت‌های بیان شده هستند، به مثابه بنا نهادن خانه بر شن‌های روان است که بدیهی است زیرینا را از همان ابتدا سست می‌کند و چه بسا ویرانی اجتماعی می‌آفریند.

بحران آشکار در ایران، ماندگاری و اشتغال پزشکان، تک‌ریم اجتماعی، معیشت سخت و فاصله آمایش معنادر نقاط پر خوردار از ناب‌خوردار است که گاه حتی به ترجیح عدم اشتغال به پزشکی یا خروج از منطقه نیز توسط پزشکان و سایر منابع انسانی بومی انجامیده است. بحران اندکی پنهان امروز نظام آموزش پزشکی اما، شکاف میان کیفیت برنامه درسی و نیاز واقعی جامعه در حوزه سلامت است که در صورت واگذاری آموزش به بخش خصوصی، نه تنها پدید نخواهد شد، بلکه بیم آن می‌رود به بحران آشکارتری نیز بینجامد. خطر خیل دانش‌آموختگان با مدارک بائینی حساس، که نه تنها جهت‌مندی و تخصص و مدیریت شرایط خطر قرار می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به نظام سلامت را نیز به شدت متزلزل می‌سازد، در صورت انجام این تصمیم، بسیار جدی است. تجربه کشورهای دیگر که مسیر مشابه را پیموده‌اند، نشان می‌دهد که با بازسازی اعتماد از دست‌رفته در این حوزه، دهه‌ها زمان و سرمایه کلان نیاز دارد.

زیرساخت‌های آموزشی ناقص، بیمارستان‌های آموزشی وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی، ستون فقرات آموزش تخصصی هستند و چنین ظرفیتی در بسیاری از دانشگاه‌های غیرانتفاعی وجود ندارد. این کمبود باعث می‌شود دانشجویان تجربه بائینی کافی و مواجهه واقعی با بیماران نداشته باشند. ممکن است گفته شود با قرارداد با بیمارستان‌های غیردولتی، این دغدغه قابل برطرف شدن است، اما کدام مطلعی است که نداند بیمارستان آموزشی، فضای تشخیصی-درمانی صرف نیست، یک زیست‌بوم متمایز است که حصول آن پیچیده، ظریف و نیازمند دانش و تلاش مجددانه است که قطعاً در دانشگاه‌های غیرانتفاعی ایران موجود نیست.

صف انتظار خودرو طولانی شد

باز نزدیک شدن به پایان سال، بازار خودرو با چالش تکراری دیگری دست به گریبان است؛ فرآگیر شدن پدیده...

صفحه ۲

بازنده عصر «بوتیک هتل»ها

از این رو توسعه هتل‌ها و سایر اقامتگاه‌ها به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته می‌تواند محرک مهمی...

صفحه ۴

سریال تاریخی سرکوب‌ارزی

هفته گذشته فاصله قیمتی میان دلار در بازار آزاد و مرکز مبادله ارز و طلا رکورد زد. با توجه به نقش قابل توجه دولت در...

صفحه ۶

شوک «ممدانی» به بازار املاک

کریم حسن پور - زمانی که «زهران ممدانی» گام به کارزار انتخابات شهر داری نیویورک نهاد، یک وعده کلیدی را با صراحتی تمام مطرح کرد: «توقف کامل افزایش اجاره‌ها». اکنون این ستون استوار تبلیغاتی او، در آستانه مواجهه با توفانی از پیچیدگی‌های اقتصادی است.

زمانی که «زهران ممدانی» گام به کارزار انتخابات شهرداری نیویورک نهاد، یک وعده کلیدی را با صراحتی تمام مطرح کرد: «توقف کامل افزایش اجاره‌ها». اکنون این ستون استوار تبلیغاتی او، در آستانه مواجهه با توفانی از پیچیدگی‌های اقتصادی است؛ عواملی که بحران عدم استطاعت مسکن در نیویورک را بیش از پیش شعله‌ور کرده‌اند.

براساس گزارشی از فاکس نیوز، با جان گرفتن دولت ممدانی، این تعهد که بر پایه جهان‌بینی سوسیال‌دموکرات و انگاره «مسکن به مثابه یک حق بشری» بنا شده است، نخستین و بزرگ‌ترین آزمون سیاسی او خواهد بود. حامیان وی، این اقدام را برای مستأجرانی که زیر چرخ‌های تورم و اجاره‌بها‌های بی‌سابقه فرسوده شده‌اند، حیاتی می‌دانند. در مقابل، منتقدان هشدار می‌دهند که این سیاست می‌تواند اکوسیستم ارزان مسکن شهر را به بی‌ثباتی بکشانند، تنگناهای مالی ساختمان‌ها را تشدید کند و روند خروج مالکان خرد از این صنعت را شتاب بخشد. «هامبرو لوپس»، بنیان‌گذار اتحادیه مسکن «گناهام»، در گفت‌وگو با فاکس نیوز برده از واقعیتی تلخ برداشت. او در این باره گفت: «هم‌اکنون می‌بینم که مالکان بیشتری تصمیم گرفته‌اند ساختمان‌های خود را بفروشند. در همین لحظه، دو نفر از آنها در حال واگذاری املاکشان هستند. حجم مراجعات ما افزایش پیدا کرده است و هر روز تعداد بیشتری از ساختمان‌ها برای فروش ثبت می‌شود. از ماه ژانویه تاکنون، میزان معاملات فروش در مجموعه ما تقریباً دو برابر شده است.»

اظهارات لوپس، بخشی از مجموعه مستند «ظهور سوسیالیسم» است؛ «ظهور سوسیالیسم» عنوان مجموعه‌ای از گزارش‌ها و مستندهای تحلیلی فاکس نیوز دیجیتال است که در آن، این رساله به بررسی و نقد روند فزاینده تاثیرگذاری ایده‌ها و سیاست‌های سوسیالیستی بر ساختار مدیریتی و تصمیم‌سازی در کلان‌شهرهای آمریکا می‌پردازد. در حال حاضر حدود یک‌میلیون واحد مسکونی در نیویورک تحت قانون «تثبیت اجاره‌بها» قرار دارند. طرح «فریز اجاره» تنها شامل این واحدها می‌شود و نرخ افزایش سالانه را که پیش‌تر ۳ درصد بود، به عدد صفر می‌رساند. حامیان حقوق مستأجران بر این باورند که این تدبیر، نوشداری است که بسیار دور تجویز شده است. درحالی‌که میانگین اجاره‌ها در قلب نیویورک (منطقه مانتن) به مرز ۵هزار دلار در ماه رسیده است، کارلینا ریورا، مدیرعامل انجمن تأمین مسکن ارزان قیمت، این ارقام را «نامعقول» و فراتر از توان مالی قشر کارگر و طبقه متوسط توصیف می‌کند. وی ضمن پشتیبانی از طرح‌هایی همچون «برنامه مکمل شهری برای پیشگیری از بی‌خانمانی» که سال گذشته موفق شد ۳۰هزار خانواد را از گرم‌خانه‌ها به سرپناه‌های پایدار منتقل کند، تاکید دارد که به‌رغم وابستگی ۳۵هزار شهروند به برهه‌های کم‌کمز هزینه اجاره، فشار هزینه‌های زندگی در تمام ارکان شهر بیداد می‌کند.

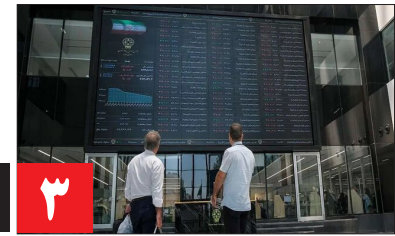
براساس این گزارش، ممدانی طرح «فریز اجاره» را تنها قطعه‌ای از پازل گسترده‌تر خود برای «استطاعت مسکن» می‌داند؛ برنامه‌ای که شامل تقویت چتر حمایتی از مستأجران، پیشگیری از بی‌خانمانی و جهش در ساخت‌وساز روی زمین‌های

دولتی است. دولت او همچنین بر ساده‌سازی فرآیندهای زیست‌محیطی و صدور مجوز تاکید دارد؛ اصلاحاتی که به گفته سازندگان، می‌تواند هزینه‌های تمام‌شده پروژه‌ها را تا صدها هزار دلار کاهش دهد. با این همه، مالکان بر این باورند که این سیاست، چشم بر حیاتی‌ترین مولفه اقتصاد مسکن، یعنی هزینه‌های نگهداری و اداره ساختمان، بسته است. آن‌کورچاک، رئیس انجمن مالکان خرد نیویورک، در این باره می‌گوید: «همی‌توان در میانه صعود بی‌وقفه هزینه‌های جاری، حکم به انجماد اجاره‌بها داد. در قلمرو اقتصاد مسکن، اجاره‌بها تنها منبع درآمد است و این درآمد باید بتواند تکافوی هزینه‌های فزاینده را بکند.» نگاهی به وضعیت عرضه کنندگان مسکن، پرده از یک بحران فراگیر برمی‌دارد: رشد سرسام‌آور هزینه‌های بهره‌برداری. آمارهای رسمی نهادهای مالی شهر نیویورک نشان می‌دهد که مجموع مالیات‌های وصول‌شده از املاک در سال جاری، با چشمی ۱،۵میلیارد دلاری نسبت به سال گذشته همراه بوده است؛ رقمی که از رشد میانگین ۵درصدی در کل شهر حکایت دارد. براساس گزارشی از نشریه فورچون، علاوه بر این جهش ناگهانی ساختار مالیاتی نیویورک در مقایسه با کل کشور آمریکا نیز تامل‌برانگیز است. نرخ موثر مالیات بر املاک سالانه در این کلان‌شهر به ۱،۴۵ درصد رسیده است؛ عددی که شاید در نگاه نخست کوچک به نظر برسد، اما در واقعیت به معنای آن است که بابت هر صد هزار دلار از ارزش ملک، مالک ملزم به پرداخت ۱۴۵۰ دلار مالیات سالانه است. سنجش این نرخ مالیاتی با میانگین کشوری ایالات متحده که حدود ۰،۸۹ درصد برآورد می‌شود پرده از حقیقتی تلخ برمی‌دارد: نیویورک، خیلی بیشتر از میانگین ملی از مالکان خود مالیات می‌ستاند.

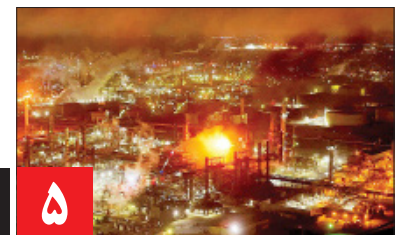
در چنین اوضاعی، مالیات بر مستغلات به‌تنهایی نزدیک به ۳۰ درصد از کل عایدی اجاره‌بها را به خود اختصاص می‌دهد. به زبانی ساده‌تر، از هر سه دلاری که یک مستأجر بابت سرپناه خود می‌پردازد، حدود یک دلار آن مستقیماً و بیش از هر هزینه دیگری، راهی خزانه دولت می‌شود. در چنین بستری است که اعتراض مالکان معنای تندتری به خود می‌گیرد. لوپس با اشاره به اینکه در برخی مناطق، جهش هزینه مالیاتی ساختمان‌ها بسیار فراتر از میانگین شهر و بین ۱۵ تا ۴۰ درصد بوده است، خاطرنشان می‌کند: «این چه عدالتی در مالیات‌ستانی است؟ مالیات تنها یکی از املاک من ۸هزار دلار به آستانه ۱۰۰هزار دلار رسیده است؛ این یعنی در عرض یک سال، بیش از ۳۰هزار دلار منافع اضافی تنها برای یک ملک! درحالی‌که سقف تعیین‌شده برای افزایش اجاره‌بها، تنها بخش ناچیزی از این هزینه هنگفت را پوشش می‌دهد. اکنون پرسش بنیادین اینجاست: وقتی درآمد‌ها منجمد شده‌اند، این مابه‌التفاوت کجا باید از کدام منبع تأمین شود؟» گروه‌های صنفی مالکان هشدار می‌دهند که فریز اجاره، هزینه‌ها را محو نمی‌کند، بلکه تنها آنها را منتقل می‌کند. در ساختمان‌های چندمنظوره، این فشار به مستأجران تجاری یا بخش بازار آزاد تعمیل می‌شود و در سایر موارد، به تعویق افتادن تعمیرات و نوسازی زیرساخت‌ها در پی خواهد داشت.



بخشی از مجموعه مستند «ظهور سوسیالیسم» است؛ «ظهور سوسیالیسم» عنوان مجموعه‌ای از گزارش‌ها و مستندهای تحلیلی فاکس نیوز دیجیتال است.



بازی خوانی آینده بازارها



دودشعله‌های شورون در چشم بازار



دروژدک: صدای انفجار تجربه خوشایندی نیست

بحران «خاموشی ۱۹۷۷» در نیویورک تکرار می‌شود؟ «جن لی»، از مالکان نسل‌سومی در چائیناتاون، معتقد است که رویکرد خصمانه با مالکان خصوصی، آنها را به لبه پرتگاه کشانده است. او می‌گوید: اگر ما را از صحنه کنار بزنند، ناچار شهر را ترک می‌کنیم و آن‌وقت مستأجران می‌مانند و تنها یک شماره تلفن سرد و بی‌روح از شرکت‌های بزرگ در برابرشان. او با انتقاد از برج‌سب «طبقه استعمارگر»، تاکید می‌کند که بسیاری از این مالکان، مهاجرانی هستند که با خون‌دل و زحمت نسل‌ها، این ثروت کوچک را اندوخته‌اند. در این میان، وضعیت سازمان مسکن دولتی نیویورک که مامن ۴۰۰هزار شهروند است، به‌عنوان نمونه‌ای از مدیریت دولتی مسکن مورد توجه است؛ نهادی که سال‌هاست با کمبود بودجه و فرسودگی دست‌وپنجه نرم می‌کند. بحران مسکن نیویورک، محصول دهه‌ها انباشت مشکلات است: از نرخ پایین خانه‌های خالی و آمار بالای بی‌خانمانی گرفته تا قطعی‌سازی شدید سیاسی. اگرچه «فریز اجاره» ممکن است تسکینی آتی برای برخی مستأجران باشد، اما موفقیت بلندمدت آن در گرو پاسخ به این پرسش است: آیا این سیاست با اصلاحات مالیاتی و یارانه‌های دولتی همراه خواهد شد، یا نیویورک را به دوران بحرانی دهه ۷۰ میلادی باز خواهد گرداند؟

براساس گزارشی از وب‌سایت تحلیلی امپایر سیتی وایر، دهه ۱۹۷۰ میلادی برای نیویورک، یادآور روزگاری است که این کلان‌شهر پروازها تا لبه پرتگاه ورشکستگی پیش رفت و تاریک‌ترین دوران اقتصادی خود را تجربه کرد. در سال ۱۹۷۴، شکاف عمیق میان درآمد‌ها و هزینه‌های شهر، کسری بودجه‌ای نزدیک به ۴۸۷میلیون دلار به بار آورد و حجم بدهی‌های معوق به رقم سرسام‌آور ۱۲،۵میلیارد دلار رسید. اعتماد نظام بانکی به توان مالی شهر سلب شد و چرخ‌دنده‌های تأمین مالی از حرکت ایستادند. فرسودگی و ناامیدی چنان بر تاروپود شهر سایه افکند که تنها در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵، حدود یازده هزار واحد مسکونی یا به حال خود رها شدند یا در شعله‌های آتش و ویرانی از میان رفتند. این بحران تنها در ارقام ترازنامه‌ها خلاصه نمی‌شد، بلکه ضربهای کاری بر پیکره اجتماع وارد کرد. از دست رفتن بیش از نیم‌میلیون شغل صنعتی، نرخ بیکاری را به مرز ۱۲ درصد رساند و موجی از ناامنی را حتی کلان‌شهری با عظمت نیویورک، تا چه اندازه به بازیگران اقتصادی بخش خصوصی باعث خروج سرمایه‌های انسانی و مالی شد و همزمان، کاهش بودجه نهادهای حیاتی نظیر پلیس و آتش‌نشانی، خدمات عمومی را به پایین‌ترین سطح ممکن تنزل داد. اوج این درم‌اندگی در تابستان ۱۹۷۷ نمایان شد؛ زمانی که در پی برخورد صاعقه و موج گرمایی طاق‌فرسا، خاموشی مطلق ۲۴ساعت‌های شهر را در کام خود کشید. در آن شب‌های بیم و هراس، بیش از هزار آتش‌سوزی عمدی و غارت بیش از هزار و ششصد کسب‌وکار، شکنندگی هولناک نظم شهری را پیش چشم جهانیان به تصویر کشید. نجات نیویورک از این گرداب، در نهایت با میانجی‌گری و دخالت دولت مرکزی ممکن شد. اعطای وام‌های سالانه ۲،۳میلیارد دلاری برای یک دوره سه ساله، نوشداری بود که به کالبد نیمه‌جان شهر تزریق شد؛ اما این کمک‌ها با شروطی سخت‌گیرانه همراه بود: اصلاح ساختار بودجه و تعدیل ۲۰درصدی نیروی کار شهرداری. اگرچه این تدابیر توانست ثبات مالی را به شهر بازگرداند، اما هزینه‌های اجتماعی سنگینی همچون بیکاری گسترده و کاهش کیفیت زندگی را بر دوش شهروندان نهاد. در پی این تجربه تلخ، چارچوب‌های قانونی نوینی از جمله «قانون وضعیت اضطراری مالی مصوب ۱۹۷۵» تدوین شد تا با الزام شهر به ارائه برنامه‌های مالی دقیق میان مدت و بلندمدت به نهادهای نظارتی ایالتی، از تکرار چنین فاجعه‌ای پیشگیری شود. بحران دهه هفتاد به روشنی نشان داد که حتی کلان‌شهری با عظمت نیویورک، تا چه اندازه به بازیگران اقتصادی بخش خصوصی وابسته است و غفلت از مدیریت بحران و آمادگی برای شرایط اضطراری، می‌تواند چه پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. در پایان باید گفت که امروز نیویورک در برزخ یک تصمیم تاریخی ایستاده است؛ مسیری مبتنی بر محرک‌های بازار آزاد، یا چشم‌اندازی سوسیالیستی که در آن مسکن، نه یک کالا، بلکه یک خدمت عمومی تلقی می‌شود. نتیجه این تقابل، سیمای آینده این کلان‌شهر آمریکایی را ترسیم خواهد کرد.

بازی‌خوانی آینده بازارها



فرحان نعمتی – ۱۶۱کارشناس بازار سرمایه با شرکت در نظرسنجی «دنیای اقتصاد»، مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر چشم‌انداز بازارها در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ را «تحولات سیاسی» اعلام کرده‌اند.

۱۶۱کارشناس بازار سرمایه با شرکت در نظرسنجی «دنیای اقتصاد»، مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر چشم‌انداز بازارها در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ را «تحولات سیاسی» اعلام کرده‌اند. بیش از نیمی از کارشناسان، طلا را جذاب‌ترین گزینه سرمایه‌گذاری می‌دانند؛ موضوعی که بیانگر افزایش تمایل به دارایی‌های امن در شرایط پریسک کنونی است. در عین حال، حدود ۶۰درصد از تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند که بورس تهران در ماه‌های پیش‌رو تا پایان سال با وجود نوسانات محسوس، روند صعودی را تجربه خواهد کرد. از نگاه آنان، فشارهای تورمی می‌تواند با تقویت درآمد شرکت‌ها، عامل محرک رشد بازار سهام باشد؛ اما تداوم ابهامات سیاسی و اقتصادی همچنان تهدیدی جدی برای پایداری این مسیر تلقی می‌شود. در بخش دیگری از این نظرسنجی، صنایع صادرات‌محور به‌عنوان مقاوم‌ترین گروه در برابر تحریم‌ها و دارای بالاترین ظرفیت بازدهی معرفی شده‌اند. در مجموع، نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد نیمه دوم سال با رویکرد محتاطانه از سوی سرمایه‌گذاران همراه است و تمرکز بر دارایی‌های امن و صنایع مقاوم بیش از گذشته اهمیت خواهد یافت.

محمد نعمت‌زاده و نیوشا شایان‌مهر: نیمه اول سال ۱۴۰۴ همچون سالیان گذشته همراه با اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی همراه شد. پیش از شروع مذاکرات میان مقامات ایران و ایالات متحده آمریکا، فردی احتمال مذاکره میان ایران و آمریکا را پیش‌بینی نمی‌کرد، اما با شروع مذاکرات در سه‌ماهه اول سال، با افزایش تب‌وتاب گفت‌وگوهای میان سولوان دو کشور، عمده فعالان حوزه سرمایه‌گذاری احتمال رخ دادن تنش‌های نظامی و جنگ تحمیلی ۲روزه را قریب‌الوقوع نمی‌دانستند.



ریسک‌ها ارزنده و جذاب است

این محدودیت ناگهانی، واکنش‌های گسترده کاربران و فعالان بازار را برانگیخته و پرسش‌هایی جدی درباره کارآمدی چنین سیاست‌هایی ایجاد کرده است. در شرایطی که اعتماد عمومی به ریال کاهش یافته و مردم برای حفظ ارزش دارایی‌های خود به رمزارزها روی می‌آورند، سوال اصلی این است که آیا این محدودیت می‌تواند جلوی نوسانات ارزی را بگیرد یا تنها مسیر بازار غیررسمی و فعالیت‌های جایگزین را گسترده‌تر خواهد کرد. در راستای این موضوع باید به یادداشت اخیر ساجده حسینی، کارشناس حوزه بلاچین‌نگاهی انداخت.

چرایی تعیین محدودیت خرید تتر

بانک مرکزی ایران، در تصمیمی غیرمنتظره، محدودیت‌های جدیدی را برای خرید و نگهداری استیبل‌کوین‌ها از جمله تتر، تعیین کرده است. براساس این مصوبه، هر فرد ایرانی تنها مجاز است سالانه ۵۰۰ دلار استیبل کوین خریداری کند. علاوه بر این، کاربران نمی‌توانند بیش از ۱۰ هزار دلار استیبل کوین در صرافی متمرکز داخلی نگه دارند. به‌عبارت دیگر، حتی اگر فردی پیش‌تر سرمایه یا جهش نرخ ارز جلوگیری کند؟ کسانی که ابزارهای غیرمتمرکز از می‌شناسند، به‌راحتی این قانون را دور نمی‌زنند؟

واقعیت این است که در بی سقوط ارزش ریال، مردم به رمزارزهای پناه می‌برند تا ارزش دارایی‌هایشان را حفظ کنند و این مصوبه، شاید برای مدتی سرخط خررها را بر کند، اما پرسش اصلی همچنان بی‌پاسخ مانده که این بار، هزینه تصمیمات بانک مرکزی را چه کسانی باید بپردازند؟ معامله‌گران بزرگ یا کاربران عادی و صرافی‌های داخلی؟

تکرار اشتباهات قدیمی در لباس جدید

این اولین بار نیست که بانک مرکزی برای کنترل بازار به محدود کردن سیاست‌ها متوسل می‌شود. سابقه چنین اقدامات دستوری در ایران طولانی است؛ از درگاه‌های پرداخت صرافی‌های رمزارزی که بدون هیچ اطلاع قبلی مسدود شد گرفته تا اعمال محدودیت‌های بانکی و ارزی، همه با یک هدف تکراری انجام شده‌اند: «کنترل نرخ ارز» و «مقابله با پول‌شویی»، اما هیچ یک از این سیاست‌ها نتوانسته‌اند ثبات اقتصادی را پایدار ایجاد کنند. نرخ دلار مسیر صعودی خود را ادامه داده و فشار تورمی بر مردم بیشتر شده است.

ویژگی مشترک تمام این سیاست‌ها، شتابزدگی و فقدان شناخت دقیق از ماهیت بازار رمزارزهاست. نهادهای مسوول به جای طراحی یک چارچوب شفاف و پایدار، بارها دست به محدودیت‌های ناگهانی زده‌اند؛ محدودیت‌هایی که نه در گذشته جواب داده و نه امروز شواهدی از اثربخشی آن وجود دارد.

بازار سیاه تتر؛ هدیه تازه به سودجویان

محدودیت‌گذاری‌های این‌چنینی در ظاهر قرار است تقاضا برای ارز را مدیریت کند، اما تجربه نشان می‌دهد معمولاً نتیجه طور دیگری است. این محدودیت‌ها فقط بازار کلاهبرداران و سودجویان را داغ‌تر می‌کند. آنگهی‌های خرید و فروش تتر در بازارهای غیررسمی افزایش می‌یابد و اجاره کارت ملی برای دور زدن قوانین به فرصتی تازه برای این افراد تبدیل می‌شود.



روحیه سرمایه‌گذاری، افق دید و میزان ریسک‌پذیری خود، همواره به طلا سهم قابل‌توجهی را اختصاص دهند. در مقام اول، بازار سهام اصلی‌ترین رقیب طلا محسوب می‌شود. ۳۴درصد از کارشناسان سهام را به عنوان اولویت نخست خود دسته‌بندی کرده‌اند. اگرچه ارتزنگدی بازار سهام در بازه ی اخیر وسوسه برانگیز است، با این حال انتخاب میان دوراهی طلا و سهام بسته به میزان ریسک‌پذیری افراد، متفاوت است. اگرچه ارزندگی همواره یکی از مهم‌ترین معیارهای انتخاب دارایی به‌شمار می‌رود، اما باید توجه داشت‌ک سهام در متون مالی و اقتصادی همواره به‌عنوان یکی از پریسک‌ترین دارایی‌ها شناخته می‌شود. از این رو، سرمایه‌گذاری در پریسک‌ترین بازار در یکی از پریسک‌ترین کشورهای جهان، مستلزم شناخت دقیق ماهیت بازار، تعیین افق زمانی سرمایه‌گذاری و سنجش میزان ریسک‌پذیری سرمایه‌گذار است.

در جایگاه دوم، دلار تقریباً نیمی از آرای کارشناسان را به خود اختصاص داده است و صندوق‌های درآمد ثابت و طلا با اختلاف اندک از یکدیگر، در رتبه بعدی قرار گرفتند. محبوبیت صندوق‌های درآمد ثابت در اولویت آخر بیش از سایرین است. علاوه بر این داده‌ها نشان می‌دهند که با حرکت از اولویت نخست به چهارم، همواره سهم درآمد ثابت بیشتر شده و به محبوبیت آن افزوده می‌شود.

به عبارتی درآمد ثابت‌ها به‌غم ریسک کم، از جذابیت بالایی از دید فعالان بازار نداشتند و توصیه می‌شود تنها در اولویت‌های پایین‌تر بخشی از پرتفوی به این دسته از دارایی‌ها اختصاص یابد. درمجموع، کارشناسان انتظار دارند طلا در نیمه دوم سال پربازده‌ترین بازار بوده و دلار جایگاه دوم را داشته باشد و صندوق‌های درآمد ثابت و سهام برای رتبه‌های سوم و چهارم رقیابت کنند. این نتایج نشان می‌دهد نگاه غالب فعالان بازار سرمایه در نیمه دوم سال بیشتر به سمت دارایی‌های امن و پوشش‌دهنده ریسک متمایل شده است.

مسیر بورس در نیمه دوم سال

از کارشناسان خواسته شد علاوه بر تعیین مسیر بازار سهام در نیمه دوم سال، صعودی یا نزولی، ماهیت پرنوسان و پرقدرت آن را نیز مشخص کنند. نتایج نشان می‌دهد اکثریت قاطع کارشناسان با ۶۰درصد آرا، انتظار روند صعودی اما پرنوسان را برای بورس در عه‌ماه دوم دارند. این دسته انتظار دارند افزایش تورم، با اثرگذاری بر شرکت‌های بورسی، می‌تواند زمینه‌ساز رشد بازار سهام شود. با این حال، وجود ریسک‌ها و نااطمینانی‌های متعدد سبب می‌شود مسیر صعودی بورس پرنوسان و همراه با عدم قطعیت باشد. در رتبه بعدی، ۳۰درصد از کارشناسان با نگاهی ناامیدانه، روند بورس در نیمه دوم سال را نزولی یا نوسان زیاد پیش‌بینی کرده‌اند. در این میان تنها ۳ درصد معتقد بودند که بورس روند نزولی پرقدرت را پیش خواهد گرفت. درنهایت نتایج نشان می‌دهد که بازار سهام با وجود ریسک‌ها، همچنان برای سرمایه‌گذاران جذاب است اما در مسیر خود با نوسانات همراه خواهد بود. به تعبیر دیگر، بازار سهام رشدی خواهد کرد که در آن مسیر، به جاماندگان فرصت می‌دهد و این رشد بیشتر برای جبران عقب‌ماندگی نسبت به سایر بازارها است.

صنایع مقاوم در برابر ماشه

با توجه به فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت فشارهای بین‌المللی، شناسایی صنایعی که کمتر از سایرین تحت‌تأثیر تحریم‌ها قرار می‌گیرند، بیش از پیش اهمیت دارد. از منظر کارشناسان، فرآورده‌های نفتی با اختلاف زیاد در صدر قرار گرفته و بیشترین بازده احتمالی را کسب خواهد کرد. باید توجه داشت‌ک صادرات نفت خام به‌سادگی قابل‌رهنمایی و تحریم است، اما فرآورده‌های نفتی راحت‌تر در بازارهای خاکستری یا از طریق واسطه‌ها معامله می‌شوند.

علاوه بر این، پالایشگاه‌ها خوراک را با نرخ‌های ریالی دریافت کرده ولی بخش مهمی از محصولات را با قیمت‌های جهانی می‌فروشند. در شرایط جهش ارزی ناشی از تحریم، این اختلاف می‌تواند سودآوری سنگینی ایجاد کند. به عبارتی پالایشی‌ها به‌دلیل توان بالای صادرات غیررسمی، بازار داخلی تضمین شده، و بهره‌مندی از اختلاف نرخ ارز می‌توانند جزو بهترین‌ها سرمایه‌گذاری باشد. در رتبه بعدی، محصولات شیمیایی و غذایی بیشترین آرا را به خود اختصاص داده‌اند. در ده‌های بعدی، گروه سیمانی‌ها و دارویی‌ها قرار دارند که اختلاف اندک آنها با سه گروه برتر، نشان از جذابیت نسبی این دو صنعت دارد.

به عبارتی کارشناسان در نیمه دوم سال نگاه ویژه‌ای به صنایع مرتبط با انرژی، صادرات محور و کالاهای اساسی داشته و این گروه معمولاً در شرایط نوسان ارزی با تغییرات قیمت‌های جهانی جذابیت بیشتری پیدا می‌کنند.

ریسک‌های سیاسی باید به حداقل خود برسند

داده‌ها نشان می‌دهند که از منظر کارشناسان، مهم‌ترین محرک بازار سهام در نیمه دوم سال، ریسک‌های سیاسی خواهد بود؛ به طوری که ۶۳درصد از صاحب‌نظران آن را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر بازار سرمایه دانسته‌اند. در رتبه بعدی، سیاست‌های اقتصادی به عنوان مهم‌ترین عامل محرک بازار شناسایی شد.

تجربه سایر کشورها نیز حاکی از این است که سیاستگذار با به‌کارگیری ابزارها و قوانین درست می‌تواند اثر ریسک‌ها و تحریم بر بازار سرمایه را کاهش دهد. در رتبه سوم، کود سایر بازارهای موازی با ۷درصد آرا قرار دارد. این موضوع نشان می‌دهد که معضلات کنونی بورس ایران ناشی از خروج سرمایه و انتقال آن به بازارهای دیگر با فرصت‌های جذاب‌تر و پربازده‌تر نیست، بلکه ریشه در ضعف‌های ساختاری و مشکلات کلان اقتصادی دارد. درنهایت از منظر کارشناسان، سیاست‌های اعتمادساز سازمان بورس کمترین تأثیرگذاری بر تحرکات بورس در نیمه دوم سال را خواهد داشت.

به ارزیابی وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: بازار سهام ایران در ماه‌های اخیر شرایط سختی را پشت سر گذاشته است. وقوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و تبعات سیاسی و اقتصادی آن باعث شد سهامداران زبان سنگینی را متحمل شوند. این ریسک‌ها نه‌تنها اقتصاد کشور، بلکه بازار سرمایه را نیز تحت فشار قرار داد و در نتیجه یک روند نزولی سنگین در بورس آغاز شد. وی افزود: هرچند اگر مسائل سیاسی و جنگ وجود نداشت، موضوعاتی همچون سودآوری شرکت‌ها و روند رشد اقتصاد ملی می‌توانستند بر قیمت سهام‌ها اثر بگذارند، اما واقعیت این است که در شرایط فعلی، نقش مسائل اقتصادی در مقایسه با متغیرهای سیاسی بسیار کم‌رنگ‌تر است. به عبارت دیگر، فضای سیاسی کشور با ایجاد ابهام در آینده اقتصاد، موجب برهم خوردن انتظارات مثبت شده و همین عامل اصلی افت شدید قیمت سهام‌ها بوده است.کارشناس بازار سرمایه اضافه کرد: بنابراین اگر بخواهیم انتظار بازگشت روند صعودی در بورس را داشته باشیم، لازمه آن وقوع تحولات مثبت در عرصه سیاسی است. در حال حاضر با افت سنگین قیمت‌ها می‌توان گفت اثرات جنگ و تحولات اخیر تا حد زیادی در بازار تخلیه شده است و اگر رخداد سیاسی منفی جدیدی شکل نگیرد ، احتمال افت جدی مجدد چندان بالا نیست. با این حال، برای اینکه شاهد رشد پایدار در بازار سرمایه باشیم، باید با ریسک‌چنگ به‌طور محسوس کاهش یابد یا شاهد گشایش‌های مثبت سیاسی باشیم. بر همین اساس، در کواتمادت پیش‌بینی می‌شود بازار سرمایه بیشتر رفتاری نوسانی و خنثی را به جای روندی صعودی یا نزولی پرقدرت انتخاب کند.

سقف مخرب خرید تتر



در نتیجه، به‌جای کاهش تقاضا، مسیر آن تغییر می‌کند و سیاستی که قرار بود ثبات بیاورد، عملاً به گسترش بازار سیاه ختم می‌شود.

این اتفاق سه پیامد مستقیم دارد:

۱. افزایش خطر کلاهبرداری برای کاربران بی‌تجربه
۲. انتقال بخشی از فشار به بازار خرید و فروش دلار کاذبی که خود پر از جعل و تخلف است.
۳. کاهش شفافیت و تضعیف ابزار نظارتی بانک مرکزی.

معمولاً دور زدن محدودیت‌ها، آسان‌تر از اجرا کردن قانون است. اعمال این محدودیت مانند هر محدودیت دستوری دیگری، یک واکنش طبیعی تولید می‌کند: «چطور قانون را دور بزنم؟». در این بخش روشی که کاربران می‌توانند برای خرید استیبل کوین در حجم بالا به‌کار ببرند توضیح داده شده است. هدف شرح واقعیت‌ها و سنجش کارآمدی سیاست است، نه آموزش یا تشویق؛ چرا که آگاهی از مسیرهای جایگزین، به ما کمک می‌کند اثر واقعی این‌گونه محدودیت‌ها را بهتر بسنجیم.

استفاده از صرافی‌های غیرمتمرکز

واقعیت این استت که برای کاربران آشنا با بازار رمزارز، دور زدن چنین محدودیتی اصلاً کار پیچیده‌ای نیست. کافی است بجای خرید مستقیم تتر یا دیگر استیبل کوین‌ها از صرافی‌های داخلی، در طی سال هر مقدار که می‌خواهند دارایی دیگری مانند BNB یا ETH بخرند و سپس آن را به کیف پول شخصی خود مانند متامسک منتقل کند.

در ادامه، کاربرمی‌تواند از طریق صرافی‌های غیرمتمرکز مانند بونی‌سواپ یا سایر DEXها آن دارایی را به یک استیبل کوین دیگر مثلاً DAI که غیرمتمرکز هم هست، تبدیل کند.

همان‌طور که متوجه شدید، محدودیت‌ها معمولاً تقاضا را حذف نمی‌کند، بلکه فقط مسیر آن را تغییر می‌دهند. بنابراین، از منظر کارآمدی، چنین قوانینی بیشتر به یک مانع ظاهری شبیه‌اند تا ابزاری واقعی برای کنترل بازار.

کوچ اجباری به کیف‌پول‌های شخصی

با وجود تمام انتقادهایی که به این محدودیت وارد است، شاید تنها نکته مثبتی که بتوان برای آن در نظر گرفت، تغییر عادت کاربران در نحوه نگهداری دارایی‌هایشان باشد. این محدودیت باعث می‌شود افراد بیشتری دیگر به صرافی‌های داخلی اعتماد نکنند و سرمایه خود را به کیف پول‌های شخصی نرهم‌فزاری یا والت‌های سخت‌افزاری منتقل کنند.

بورس و بانک

روزنامه **دراقتصاد** www.marzeghtesad.ir
شماره ۱۲ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۷۴
سه‌شنبه ۱۲
www.marzeghtesad.ir

♥ **تغییرات اساسی در حجم مبنای بازار**

پایه فرابورس

بازار پایه فرابورس ایران، که همواره به عنوان بازاری با نقدشوندگی پایین و چالش‌های متعدد شناخته می‌شود؛ به‌تازگی شاهد تغییرات مهمی در سازوکار حجم مبنایست که از نوزدهم مهرماه اعمال خواهد شد. این تغییرات، با هدف ایجاد تعادل میان واقعیت معاملات و ارزش بازار سهام، می‌تواند نقطه عطفی در اصلاح روند معاملاتی نمادهای کم‌معامله و پرنوسان باشد.

حجم مینا، به عنوان یکی از ابزارهای کنترلی در بازار سرمایه ایران، از سال‌های گذشته مورد بحث کارشناسان و فعالان بازار بوده است. پیش از این، حجم مبنای سهام بازار پایه بر اساس سرمایه پایه شرکت تعیین می‌شد؛ رویکردی که در شرکت‌های دارای سرمایه بزرگ اما شناوری پایین، فاصله میان حجم مینا و معاملات واقعی سهم را افزایش می‌داد و عملاً مانع از کشف قیمت منصفانه می‌شد.

در چنین شرایطی، سهامداران خرد بارها از قفل شدن دارایی‌های خود در نمادهای بازار پایه گلایه کرده و شرکت‌هاییز در جذب سرمایه و تامین مالی با مشکل مواجه بودند.

با این حال، فرابورس ایران اخیراً فرمول تازه‌ای برای محاسبه حجم مبنای پویا معرفی کرده است؛ فرمولی که به جای اتکای صرف به سرمایه پایه شرکت، بر اساس معاملات واقعی و میزان سهام شناور آزاد طراحی شده و ماهیت پویا دارد.

بر اساس اطلاعیه رسمی فرابورس، این فرمول از ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ اجرایی می‌شود و هدف اصلی آن، انعطاف‌پذیری بیشتر در محاسبه حجم مینا و ارتقای نقدشوندگی است.

سازوکار جدید حجم مینا در سازوکار جدید، حجم مینا به سه‌حالت تقسیم می‌شود: اولین حالت مربوط به سهام پرمعامله است؛ اگر میانگین روزانه معاملات سهم در یک ماه اخیر بیش از سنترانه روزانه سهام شناور باشد، سهم پر معامله تلقی شده و حجم مینا «یک» در نظر گرفته می‌شود.

دومین حالت مربوط به سهام کم‌معامله با نوسان کم است و در واقع سهمی که نه پر معامله هستند و نه نوسان قابل‌توجه دارند، حجم مبنای آنها نیز «یک» خواهد بود.

سومین حالت نیز به سهام کم‌معامله با نوسان بالا مرتبط است؛ در این حالت، حجم مینا بر اساس فرمولی که ترکیبی از میانگین روزانه حجم معاملات و ماه اخیر و سنترانه روزانه سهام شناور است، تعیین می‌شود.

ضریب تعدیل در این فرمول با افزایش یا کاهش حجم معاملات در سه ماه اخیر و شدت نوسانات سهم تغییر می‌کند؛ افزایش قیمت موجب کاهش ضریب و کاهش حجم مینا و افزایش نوسان موجب افزایش آن می‌شود.

به بیان ساده، سازوکار جدید تلاش دارد تا سهم‌های پرمعامله یا کم‌نوسان بدون محدودیت حجم مینا معامله شوند و تنها شرکت‌هایی که با حجم معاملات پایین و نوسان قابل‌توجه مواجه هستند، مشمول حجم مینا شوند. این تغییر، علاوه بر ارتقای امکان کشف قیمت واقعی، مانع نوسان‌های غیرواقعی و بهبود شفافیت بازار می‌شود.

فرمول تازه حجم مینا، با در نظر گرفتن متغیرهای کلیدی مانند بازدهی چهار هفته اخیر، میانگین حجم معاملات ماه گذشته، تعداد کل سهام شرکت و نسبت سهام شناور آزاد، تلاشی برای ایجاد توازن میان واقعیت معاملاتی سهم و ارزش بازار آن است. حداقل حجم مینا نیز معادل ۱۰ درصد از سنترانه روزانه تعداد سهام شناور آزاد شرکت تعیین شده است، به این معنا که حتی در سهام کم‌معامله، سطوحی از نقدشوندگی تضمین می‌شود.

اجرای این تغییرات از دو منظر حائز اهمیت است: نخست برای سهامداران خرد که از قفل شدن دارایی‌ها در بازار پایه گلایه داشتند و دوم برای شرکت‌ها که در نبود کشف قیمت واقعی، با مشکلاتی در جذب سرمایه و تامین مالی مواجه بودند. حالا با اعمال فرمول جدید، انتظار می‌رود نقدشوندگی نسبی بازار پایه بهبود یافته و امکان کشف قیمت منصفانه فراهم شود.

ارتقای شفافیت در بازار پایه

محمدعلی شیرازی، مدیرعامل فرابورس ایران، در این باره تأکید کرده است که فرمول تازه حجم مینا با هدف ارتقای شفافیت و کاهش فاصله میان معاملات واقعی و ارزش اساسی سهام طراحی شده است. به گفته وی، تغییرات حجم مینا نتیجه فراخوانی برای اخذ نظرات فعالان و کارشناسان بازار است که از ۱۷ تا ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ انجام شد تا فرآیند تصمیم‌گیری با شفافیت بیشتری دنبال شود. با وجود این اصلاحات، کارشناسان هشدار می‌دهند که تغییر فرمول حجم مینا همه مشکلات بازار پایه را برطرف نخواهد کرد.

همچنان چالش‌هایی مانند نبود شفافیت اطلاعاتی و گزارش‌دهی نامنظم شرکت‌ها؛ از مسائل اصلی این بازار هستند. با این حال، اصلاح حجم مینا می‌تواند گامی رو به جلو در جهت اصلاح سازوکار معاملاتی و نزدیک کردن بازار پایه به استانداردهای حرفه‌ای تر دانست.

در نهایت، تجربه عملی این سازوکار

در ماه‌های آینده نشان خواهد داد که آیا

سیاستگذاران توانسته‌اند تعادلی میان نقدشوندگی و کنترل هیجان بازار برقرار کنند یا خیر. با توجه به هیجان بی‌سازر برقرار می‌شود، روندی به حجم معاملات واقعی سهام، انتظار می‌رود اثر مثبت حجم مینا بر کشف قیمت و روان‌سازی معاملات بازار پایه، پررنگ‌تر از هر گونه نوسان کوتاه‌مدت باشد.

▼ ضرورت توجه به کشاورزی ارگانیک

تامین بموقع و اقتصادی نهاده‌ها که معمولاً بذر، کود و سم هستند و سرمایه مالی و سرمایه انسانی نیز در صدر آنهاست، لازمه تولیدات کشاورزی، دامی و شیلات است. روشن است که بدون آب کافی و خاک مناسب، تولید حرفه‌ای اکثر محصولات کشاورزی ممکن نیست یا اینکه تولیدشان پرهزینه خواهد بود. بدون تامین بذر و نهال، بدون تامین کود چه در نظام ارگانیک و چه در نظام‌های تولید رایج، تولید با عملکرد اقتصادی به‌ندرت قابل تصور است و همه اینها بدون احترام و لحاظ سرمایه اجتماعی، حرمت به پیشکسوتان و دانش بومی و تامین‌نیازهای سرمایه‌ای آن دشوار خواهد بود. لذا قبل از بیان انتقارات از کشاورزان و کشت و صنعت‌های بزرگ، انتظار می‌رود بانک‌ها و سرمایه‌گذاران کلان که نیروی انسانی تحصیلکرده و امکانات، سترمایه‌ها و ارتباطات دارند، گام‌های مناسب و متناسب با شرایط طبیعی و شرایط اقتصادی خاص پیشنهاد و اجرایی کنند؛ چراکه شاید اگر در شرایط مطلوب تمرین کشاورزی ارگانیک کرده بودیم، امروز وابستگی کمتری به نهاده‌های غیرارگانیک داشتیم.

مفهوم و اصول چهارگانه ارگانیک، عبارت از انصاف، سلامت، مراقبت و اکولوژی است. یکی از اصول کشاورزی ارگانیک، اصل انصاف است، یعنی محصولات باید نه گران باشد و نه ارزان؛ بلکه لازم است که قیمت آنها یک رقم منصفانه باشد. در نظام تولید ارگانیک، درس‌های جالبی نه‌تنها برای کشاورزی و صنعت بلکه برای قوام سرمایه‌اجتماعی و حتی حاکمیت و منطقه‌نفته‌است که برای عبور از شرایط خاص اقتصادی و طبیعی (خشکسالی) می‌توان از آن بهره برد. شاید محصول ارگانیک را گران بخرند تا تولیدکننده ارگانیک را تشویق کنند، اما گران‌فروشی آن اصل انصاف را خدشناظر کرده و محصول را از ارزش اخلاقی ارگانیک خارج می‌کند. واسطه‌های ضاعف در نظام ارگانیک اصولی، قابل‌قبول نیست؛ دلیل این امر آن است که اضافه شدن واسطه‌ها به چرخه عرضه و تقاضا سبب گرانی می‌شود و همین اصل انصاف را خدشناظر می‌کند. به‌مرحال، هر گاه محصولی به مقدار نیاز بازار تولید یا تامین نشود، انگیزه برای افزایش قیمت پیدا شده و به عبارتی مکانیسم‌های عرضه و تقاضا می‌تواند سبب گرانی آن بشود. این مطلب الزاماً به معنای گران بودن تولید نیست، اما اینکه تولیدکنندگانی که می‌شناسیم، عمدتاً با‌تصافاند و رعایت‌مشتريان شناخته‌شده خود را می‌کنند، شاید وارداحل اصولی، حتی در این شرایط طبیعی و اقتصادی، تولید ارگانیک بیشتر است، اما ابتدا جامعه یا حداقل اقشاری از جامعه به محصولات ارگانیک باید توجه بکنند تا تولیدکننده و واردکننده به فکر تولید یا تامین بیشتر محصولات ارگانیک بیفتند.

طبق آخرین آمار در سال ۲۰۲۳، ایران در سطحی حدود ۱۵هزار هکتار کشت ارگانیک (حدود یک‌هزارم سطح کشاورزی کشور) داشته است که حدود ۱۵۰۰ تن از تولید آنها صادر شده و الباقی در ایران مصرف شده است. ارزیابی‌های پژوهشی نشان می‌دهد هنوز شور و شوق لازم در بین مصرف‌کنندگان در داخل کشور شکل نگرفته است، لذا محصولات ارگانیک به قصد صادرات و برای جوامع صادراتی تولید می‌شود؛ مانند صادرکنندگان بسته ارگانیک، انار ارگانیک، خرمای ارگانیک، سماق ارگانیک.

معدود تولیدکنندگانی که خود را ملزم به تولید ارگانیک برای جوامع داخلی می‌بینند، به دلایل موجه و ناموجه چندان مورد تشویق قرار نمی‌گیرند چند شایلیکار ایرانی محصول ارگانیک به چند سبک به تولید و عرضه برنج ارگانیک می‌پردازند که در مقاله‌ای در پنجاهمین سال تأسیس فدراسیون جنبش‌های بین‌المللی ارگانیک در کرومبونی در ۲۰۲۲ مقایسه شدند. به‌علاوه روش‌های تولید ارگانیک، امروزه مجهز به نهاده‌های بیولوژیک هستند و حتی می‌توانند در شرایطی عملکرد را افزایش دهند، چرا که از سموم شیمیایی که درصدی از محصول را کاهش می‌دهند اما از آن محافظت می‌کنند در این روش تولید ارگانیک استفاده نمی‌شود.

برخی نهاده‌های لازم برای این نظام تولید منظم و درخور تحسین را بهتر است بیشتر بشناسیم؛ عوامل کنترلر بیولوژیک، کودهای معدنی مجاز در ارگانیک مانند کود معدنی گوگردی برای اصلاح خاک و ایجاد محیط مناسب برای فعالیت موجودات زنده در خاک، به‌خصوص کرم خاکی در سایه کشاورزی حفاظتی که از قطرات آب در خاک حراست می‌کند، زمینه را برای تولید دانش‌بینان ارگانیک با توجه به شرایط جدید قیمت‌ها فراهم می‌کند.

توجه به تحقیق و توسعه شایسته مبتنی بر روش‌های درست ارگانیک، کنترلر بیولوژیک، کودهای سبز، کودهای بیولوژیک و کاهش مصرف سموم باید در دستور کار باشد و برنامه ابلاغی وزیر وقت کشاورزی در ۱۳ اسفند ۱۳۹۰ کم‌کمان می‌تواند مبنای کار باشد؛ تولید سوپای ارگانیک می‌تواند زمینه ساز تولید مرغ ارگانیک و رسیدن به متوسط جهانی تولید ارگانیک و سهم از بازار صادرات بیش از ۱۳۰میلیاردیورویی جهان ارگانیک و بازار ۲۰۳۰ که قرار است در۲۵درصدتهیه و تلمین محصولات غذایی را از منابع ارگانیک تامین کند، باشد. به‌نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه کشاورزی ارگانیک در سطح ملی و منطقه‌ای، توسعه انواع محصولات‌مناسب و گسترش برنامه‌های آموزشی کشاورزان مورد نیاز است. با سرمایه‌گذاری در حد لازم و کافی، روش‌های کشاورزی نوآورانه مانند آگرواکولوژی و بهبود پایداری و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.



بازنده عصر «بوتیک‌هتل‌ها»

۵ پیتا حسن پور – آمارهای منتشرشده توسط شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC) نشان می‌دهد که بیش از ۳۰درصد اشتغال مستقیم در صنعت گردشگری، به‌بخش اقامت و پذیرایی مربوط می‌شود.

از این رو توسعه هتل‌ها و سایر اقامتگاها به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته می‌تواند محرک مهمی برای رونق اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد زیرساخت‌های محلی و تقویت پویایی اجتماعی باشد. در ایران با وجود ظرفیت‌های عظیم گردشگری، از جمله ۲۶ میراث جهانی ثبت‌شده در یونسکو، تنوع اقلیمی و فرهنگی، و موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز، بخش اقامت و هتلداری کشور هنوز در مرحله گذار است و با چالش‌های متعددی روبروست.

ضعف زیرساخت‌ها، کیفیت پایین خدمات، نبود آموزش‌های کافی برای نیروی انسانی، کمبود فناوری‌های نوین مدیریتی، و کم‌توجهی به تجربه مشتری از جمله مشکلات این بخش هستند. در مقابل بسیاری از کشورهای منطقه با سرمایه‌گذاری هدفمند، به‌روزرسانی زیرساخت‌ها و ارتقای کیفیت اقامتگاها سهم بزرگی از بازار جهانی گردشگری را تصاحب کرده‌اند.

طبق آمار وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در سال ۲۰۲۱ حدود ۵۵میلیون گردشگر خارجی وارد ایران شدند؛ در حالی که ترکیه با جذب بیش از ۱۰میلیون گردشگر و درآمد سه‌سالانه ۵۰میلیارد دلار یکی از قدرتمند‌های گردشگری منطقه است. گرچه یکی از دلایل آمار اندک گردشگری ورودی به ریسک‌های ورود توریست خارجی برمی‌گردد و از طرف دیگر گردشگری داخلی هم به واسطه تورم دچار مشکل شده است، با این حال ضعف هتلداری در ایران را هم نباید فراموش کرد.

متأسفانه بسیاری از هتل‌های کشور هنوز با چالش‌هایی مانند استانداردهای پایین بهداشتی، نبود سامانه‌های رزرو آنلاین کارآمد و ناتوانی در ارائه خدمات دیجیتال مواجهند؛ درحالی‌که در هتلداری مدرن، فناوری‌هایی نظیر سامانه‌های مدیریت تجربه مشتری، خدمات شخصی‌سازی‌شده، یا حتی ارتباط دیجیتال با مهمانان قبل و بعد از اقامت، به یک هنجار جهانی تبدیل شده‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «ظرفیت‌شناسی رویکردهای نوآورانه در صنعت هتلداری: مطالعه‌تظییقی» ضمن دست‌نبدی چالش‌های صنعت هتلداری، راهکارهایی را برای بهبود آن ارائه کرده است. حمایت از اقامتگاه‌های سبز و تجربه‌محور، ایجاد نظام رتبه‌بندی «هتل نوآور»، ایجاد مرکز ملی نوآوری در گردشگری و استانداردسازی هتل‌های هوشمند چهار پیشنهاد مطرح شده در این گزارش هستند. در همین زمینه این گزارش سراغ بوتیک هتل‌ها شهرهایی مانند کاشان و یزد رفته و آنها را نمونه‌های موفق از تجربه‌محوری عنوان کرده است.

صنعت گردشگری امروزه یکی از پویاترین و سودآورترین بخش‌های اقتصاد جهانی به شمار می‌آید و نقش مهمی در اشتغال‌زایی، توسعه محلی، و افزایش تولید ناخالص داخلی کشورها دارد. طبق گزارش سازمان جهانی گردشگری (UNWTO)، در سال ۲۰۱۹، یعنی پیش از شیوع ویروس کرونا، تعداد گردشگران بین‌المللی از ۱۵میلیارد نفر فراتر رفت و درآمد حاصل از آن به بیش از ۱٫۷تریلیون دلار آمریکا رسید. پس از بحران کرونا، این صنعت روند احیا را آغاز کرد و طبق آمار سال ۲۰۲۴ حدود ۸۸ درصد از سطح پیش از همه‌گیری را بازیابی کرده و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ به‌طور کامل به وضعیت عادی بازگردد.

رشد این صنعت حاصل مجموعه‌ای از عوامل چون جهانی‌شدن، بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، گسترش فناوری‌های دیجیتال، افزایش رفاه در کشورهای درحال‌توسعه و رشد طبقه متوسط جهانی است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با برشمردن ظرفیت‌های صنعت توریسم، بخش‌های مختلف آن را برشمرده و آورده است: صنعت گردشگری از پنج بخش اصلی جاذبه‌های گردشگری، اقامت و مهمان‌نوازی، حمل‌ونقل، واسطه‌ها و اژانس‌ها، و خدمات روندن احیا را آغاز کرد و طبق است. در این میان، بخش اقامت و مهمان‌نوازی به عنوان یکی از ستون‌های کلیدی این صنعت شناخته می‌شود، زیرا مستقیماً بر رضایت گردشگران و کیفیت تجربه آنها اثر می‌گذارد. اقامتگاه‌ها نه‌فقط محل اسکان موقت، بلکه نماینده‌ی کیفیت خدمات، فرهنگ و تصویر مقصد در ذهن گردشگر هستند. نوع اقامتگاه، میزان خدمات و نحوه‌ی تعامل کارکنان با مهمانان تأثیر مستقیمی بر احتمال بازگشت گردشگر و توصیه مقصد به دیگران دارد.

بر اساس این گزارش در فضای رقابتی و پرشتاب امروز، نوآوری به یکی از الزامات اساسی بقای نگاه‌های گردشگری تبدیل شده است. به‌ویژه در صنعت هتلداری که ماهیتی کاملاً تجاری دارد و هم‌زمان با فرهنگ و هویت محلی پیوند خورده، توجه به نوآوری در خدمات و تجربه مشتری نقش حیاتی دارد. نوآوری می‌تواند در قالب‌های گوناگون باشد، برای مثال در مقوله خدمات با شخصی‌سازی تجربه مهمان، در بحث فرآیندها یا دیجیتال‌سازی ورود و خروج یا خدمات اوتوماتیک و در بخش محصولات با اتاق‌های سازگار با محیط‌زیست یا چندمنظوره، ضمن افزایش رضایت مشتریان، می‌توانند به بهره‌وری بالاتر و کاهش هزینه‌های عملیاتی منجر شوند.

نوآوری با استفاده از خلاقیت محلی

در سطح جهانی، صنعت هتلداری در حال تجربه تحولات عمیقی است. فناوری‌های نوپه‌ور مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و طراحی‌های سبز باعث دگرگونی در نحوه ارائه خدمات شده‌اند. بسیاری از هتل‌های پیشرو با استفاده از سیستم‌های پذیرش خودکار، ربات‌های خدماتی، تحلیل داده‌های رفتاری و بازیابی تعاملی، تجربه‌ای شخصی و متمایز برای مهمانان خود فراهم می‌کنند. بر اساس این گزارش، تجربه کشورهای مختلف ثابت کرده است که پیوند میان



مختصات سال جاری آبی

بحران آب ایران پیش از آنکه یک پدیده صرفاً اقلیمی باشد، در واقع یک بحران عمیق مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی است که کانون آن در بخش کشاورزی قرار دارد. تخصیص حدود ۹۰درصد از منابع آب تجدیدپذیر کشور به این بخش، درحالی‌که سهم آن در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۷درصد است، نه‌تنها نشان‌دهنده عدم توازن ساختاری است بلکه هشدار جدی برای پایداری سرزمین، امنیت غذایی و اقتصاد ملی به شمار می‌رود. این تحلیل، نیاز به بازنگری فوری در شیوه‌های موجود، ابعاد این چالش پیچیده را بررسی کرده و نقشه راه اصلاحات لازم را ترسیم می‌کند تا مسیر بهینه‌سازی مصرف منابع آب مشخص شود.

هزینه‌یابی یک ناکارآمدی

برای درک کامل ابعاد بحران، باید به معادله آب و کشاورزی از منظر اقتصاد کلان نگریست. ایران سالانه بیش از ۸۰درصد از کل منابع آب تجدیدپذیر خود را مصرف می‌کند و این امر کشور را در وضعیت بحرانی با «فشار آبی بسیار بالا» قرار داده است. نکته حیاتی اینجاست که بخش عمده این منابع گرانبها، صرف فعالیتی می‌شود که بازده اقتصادی و ارزش افزوده آن با سرمایه مصرف‌شده تناسب ندارد. هزینه واقعی مصرف آب در کشاورزی تنها محدود به حجم آب مصرفی نیست، بلکه شامل «هزینه فرصت» نیز می‌شود؛ آبی که می‌توانست در صنایع با ارزش افزوده بالاتر یا برای حفظ اکوسیستم‌ها و جلوگیری از فرورفتنست زمین در آبخیزان‌ها باقی بماند. با سهمی کمتر از ۱۷درصد در تولید ناخالص داخلی، کشاورزی ایران در عمل در حال مصرف سرمایه‌های طبیعی (آب‌های زیرزمینی) برای تولید ثروتی است که هزینه‌های بلندمدت آن، از جمله فرورفتنست زمین، بحران‌های اجتماعی و تخریب زیستگاه‌ها، به‌مراتب بیشتر از منافع کوتاه‌مدت آن است. این وضع، نیاز به بازنگری فوری در سیاست‌های مصرف آب و برنامه‌ریزی کشاورزی را بیش از پیش ضروری می‌کند.

کلیدشکافی بحران در مقیاس ملی و بین‌المللی

ناکامی در مدیریت مصرف آب کشاورزی، ایران را در مقایسه با سایر کشورها در جایگاه نامناسبی قرار داده است. ترازنامه کلان آب کشور نشان می‌دهد که تقریباً تمام آب تجدیدپذیر کشور صرف مصارف سالانه می‌شود و بخش کشاورزی سهم اصلی را در این معادله دارد.

ایران در برابر اسپانیا نشان می‌دهد که با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه و بهینه‌سازی

فناوری، پایداری محیط‌زیستی، و شخصی‌سازی خدمات، کلید موفقیت در هتلداری آینده است. اقامتگاه‌های سبز، طراحی‌های سازگار با اقلیم، استفاده از منابع محلی و ارائه خدمات دیجیتال، رویکردهایی هستند که هم موجب صرفه‌جویی در هزینه و منابع می‌شوند و هم تجربه‌ای به‌یادماندنی برای گردشگر خلق می‌کنند.

ظرفیت اندک هوش‌مصنوعی، ظرفیت بالای اقامتگاه‌های سبز

بررسی‌های انجام شده توسط نگارندگان گزارش «ظرفیت‌شناسی رویکردهای نوآورانه در صنعت هتلداری: مطالعه‌تظییقی» نشان می‌دهد ظرفیت نهادی ایران برای پیاده‌سازی فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در گردشگری بسیار محدود است. براساس گزارش وزارت میراث فرهنگی (۱۴۰۱)، تاکنون پروژه‌های ملی یا منطقه‌ای برای هوشمندسازی هتل‌ها مبتنی بر هوش مصنوعی تعریف نشده است. زیرساخت فناوریانه کشور نیز عمدتاً در کلان‌شهرها متمرکز است و کیفیت اینترنت و دسترسی به مراکز داده در سایر مناطق پایین است. علاوه بر این، وابستگی به واردات تجهیزات و کمبود نیروی متخصص، هزینه اجرای چنین طرح‌هایی را بسیار بالا می‌برد.

هرچند برنامه هفتم توسعه و سند راهبردی گردشگری به «تحول دیجیتال» اشاره دارند، اما هنوز سیاست مشخصی درباره هوش مصنوعی در اقامتگاها وجود ندارد. این در حالی است که در حوزه اقامتگاه‌های سبیز و خودکفا ظرفیت نهادی به‌مراتب بالاتر است. اسناد کلان کشور بر رونق گردشگری سبز و سازگار با محیط‌زیست تأکید دارند. هرچند سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در رسیدن انرژی ایران هنوز کمتر از۲درصد است، اما توسعه اقامتگاه‌های بوم‌محور در مناطق شمالی، جنوبی و کویری نشان از قابلیت بالای کشور در ایجاد اقامتگاه‌های سبز دارد. هزینه احداث این مدل اقامتگاه‌ها بالاتر از نمونه‌های سنتی است، اما از نظر فرهنگی، استقبال چشم‌گیری از آنها شده است؛ به‌گونه‌ای که تا سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۵۰۰ اقامتگاه بوم‌گردی دارای مجوز فعالیت در کشور ثبت شده است.

مدیریت هوشمند اتاق‌ها در ۵ درصد هتل‌های ۴ و ۵ ستاره

بازی‌فرفرینی در فرآیند اقامت در ایران ضعیف است. بر اساس این گزارش اگرچه در سطح جهانی استفاده از بازی‌فرفرینی به یکی از روندهای نوپه‌ور در صنعت گردشگری تبدیل شده است، اما در ایران ظرفیت نهادی آن بسیار ضعیف است. طبق داده‌های وزارت ارتباطات در سال ۱۴۰۱، بخش عمده بازار بازی‌های دیجیتال کشور در حوزه سرگرمی خانگی متمرکز است و نمونه‌های موفق در گردشگری وجود ندارد. هزینه توسعه سیستم‌های بازی‌محور در هتل‌ها نیز بالا است، چرا که نیازمند طراحی پلتفرم‌های اختصاصی، آموزش کارکنان و ایجاد محتوای تعاملی است.

به علاوه در کشورمان ظرفیت فناوریانه در زمینه اینترنت اشیا نیز بسیار محدود است. تنها حدود پنج درصد از هتل‌های چهار و پنج‌ستاره کشور از سیستم‌های مدیریت هوشمند اتاق‌ها بهره می‌برند. توسعه این فناوری نیازمند اینترنت پرسرعت پایدار، مراکز داده قدرتمند و استانداردهای امنیت اطلاعات است که هنوز به‌صورت گسترده در دسترس نیستند. از نظر اقتصادی نیز وابستگی به تجهیزات وارداتی، هزینه‌ها را بالا برده است.

بر اساس این گزارش اقامتگاه‌های بوم‌محور و طبیعت‌گرا از بیشترین ظرفیت نهادی و فرهنگی برخوردار هستند. حمایت از اقامتگاه‌های بوم‌گردی یکی از سیاست‌های رسمی وزارت میراث فرهنگی محسوب می‌شود. این اقامتگاها برخلاف سایر مدل‌ها نیاز چندانی به زیرساخت فناوریانه ندارند و تمرکز آنها بر معماری بومی، مصالح محلی و آموزش نیروی انسانی است. هزینه تأسیس آنها نسبتاً پایین است و استقبال فرهنگی از آنها چشم‌گیر بوده است؛ به‌طوری‌که طی چهار سال اخیر تعداد اقامتگاه‌های بوم‌گردی در کشور حدود ۴۰ درصد رشد داشته است.

واقعیت مجازی (VR) از دیگری مواردی است که این گزارش به آن پرداخته و آورده است: براساس گزارش مرکز تحقیقات فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICTRC)، پروژه‌های واقعیت مجازی و افزوده در ایران عمدتاً محدود به آموزش و تبلیغات بوده و در بخش هتلداری کاربرد عملی نیافته‌اند. زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای ارائه تجربه‌های واقعیت مجازی در اقامتگاه‌ها هنوز فراهم نیست و هزینه تولید محتوای باکیفیت در این حوزه بسیار بالا است. در بعد فرهنگی، گرایش اولیه در میان نسل جوان وجود دارد، اما حمایت نهادی کافی نیست.

به همین دلیل، این نوع نوآوری در حال حاضر از اولویت پایین‌تری برای اجرا برخوردار است. نتایج حاصل از ترکیب ارزیابی‌های میدانی و تحلیل داده‌های گزارش نشان می‌دهد که نوآوری‌های اقامتگاه‌های بوم‌محور، سبز و تجربه‌محور که از آمادگی نهایی و فرهنگی بالاتری برخوردارند بیشترین قابلیت اجرا را در ایران دارند. در مقابل، نوآوری‌های فناوریانه پیچیده مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و واقعیت مجازی به زیرساخت‌های پیشرفته‌تر، سرمایه‌گذاری بالا و سیاستگذاری دقیق‌تری نیاز دارند.

چهار راهکار جذب نسل جدید گردشگران

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به اینکه صنعت هتلداری جهان در دهه‌های اخیر از الگوهای سنتی فاصله گرفته و به سوی مدل‌های فناوریانه، زیست‌محور و تجربه‌محور حرکت کرده، آورده است: این دگرگونی صرفاً پاسخی به تحولات فناوریانه نیست، بلکه حاصل تغییر ذائقه نسل جدید گردشگران و رقابت فزاینده در بازار جهانی است. در همین راستا ایران با برخورداری از ظرفیت‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی گسترده، و نیز پشتوانه‌های قانونی مانند قانون برنامه هفتم توسعه، قانون حمایت و شرکتهای دانش‌بنیان و سند ملی گردشگری، می‌تواند مسیر خود را به‌سوی هتلداری نوآورانه هموار سازد. به‌ویژه با توجه به رشد گردشگری داخلی و بینانسیل بالای مناطق روستایی و طبیعی، بهبود زیرساخت‌های اقامتی می‌تواند هم به توسعه گردشگری داخلی و هم به جذب گردشگران خارجی و ارزآوری کمک کند.

برای تحقق این هدف، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس چهار سیاست اجرایی را پیشنهاد می‌دهد. حمایت از اقامتگاه‌های بوم‌محور، سبز و تجربه‌محور اولین مورد است. تدوین بسته‌های تشویقی قانونی و مالیاتی برای اقامتگاه‌هایی که از انرژی‌های پاک و مصالح بومی استفاده می‌کنند، ارائه تسهیلات بانکی کمپهیره به اقامتگاه‌های دارای گواهی زیست‌محیطی، تدوین دستورالعمل معماری اقامتگاه سبز و ایجاد سامانه‌ای برای شفاف‌سازی عملکرد زیست‌محیطی واحدهای اقامتی و اعطای نشان «اقامتگاه سبز ایران» به مراکز پایبند به اصول توسعه پایدار در همین راستا باید در دستور کار قرار گیرند.

استانداردسازی هتل‌های هوشمند دومین راهکار مطرح شده در این گزارش است. تدوین چارچوب ملی برای حداقل استانداردهای تجهیزات دیجیتال و هوش مصنوعی در هتل‌ها، الزام به تأیید فنی تجهیزات هوشمند و تعریف شاخص‌هایی برای سنجش سطح هوشمندی هتل‌ها و آموزش تخصصی مدیران و کارکنان در زمینه بهره‌برداری از فناوری‌های هوشمند در این دسته قرار می‌گیرند. سومین راهکار ایجاد مرکز ملی نوآوری در گردشگری است. در همین راستا باید تأسیس مرکزی سه‌جانبه میان دولت، صنعت و دانشگاه با مأموریت پژوهش و توسعه در حوزه اقامتگاه‌های نوآور، اعطای گرنت‌های پژوهشی به استارت‌آپ‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با گردشگری فناوریانه و برگزاری رقابت سالانه «چالش نوآوری در هتلداری» و ایجاد مسیر تجاری‌سازی سریع برای طرح‌های موفق در دستور کار قرار گیرند.

بر اساس چهار لایه خدماتی و بازاریابی، اعطای گواهی‌نامه رسمی «هتل نوآور» همراه با مزایای مالیاتی و تبلیغاتی و الزام به بازاموزی سالانه کارکنان این هتل‌ها برای حفظ سطح استاندارد نوآوری می‌شود.

در این سال از مجموع استان‌های کشور، تنها دو استان اندکی بارش مثبت را تجربه کردند و سیاستگذاران مدام هشدارهایی مبنی بر لزوم صرفه‌جویی در مصرف آب می‌دانند. در این بین، راهکارهای گوناگونی به‌منظور بهبود تنش آبی پیشنهاد می‌شد. برخی از این راهکارها عبارت از شیرین کردن آب دریا، انتقال آب، تغییر الگوی کشت برخی محصولات و همچنین اصلاح قیمت آب بود که موافقان و مخالفانی داشت.

برای مثال طرح انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به منظور تامین آب شرب و صنعتی دو استان ساحلی و شش استان غیرساحلی مرکزی ایران یکی از این راهکارهاست. انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شمال شرق درحال‌حاضر ۱۹درصد پیشرفت فیزیکی داشته و طرح انتقال آب خلیج فارس به هرمزگان، یزد و کرمان، نیز راه‌اندازی شده است.

در این طرح، سامانه شرق برای انتقال آب به سه استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی تعریف شده و همچنین سه سامانه فزاه‌ای یک تا سه خلیج فارس آب دریا را به هرمزگان، کرمان، یزد و در صورت نیاز اسفهان منتقل می‌کند. «باشگاه اقتصاددانان» روزنامه «دنیای اقتصاد» در این پرونده تلاش دارد هم‌زمان با آغاز سال آبی جدید، به بررسی دو مساله بحث‌برانگیز، یعنی «انتقال آب» و «کشاورزی در سال آبی ۱۴۰۴»، بپردازد.

ریشه‌یابی بحران در بخش کشاورزی

قیمت‌گذاری واقعی و انرژی، حذف بارانه‌های پنهان، اجرای تعرفه‌های پلکانی و ایجاد مشوق‌های مالی برای مصرف بهینه، صرفاً راه اقتصادی و بهره‌وری را افزایش می‌دهد. چنین اصلاحی می‌تواند منجر به تغییر رفتار مصرف‌کنندگان شود و بخش کشاورزی را به سمت انتخاب‌های کارآمدتر سوق دهد.

ایجاد نظام رتبه‌بندی «هتل نوآور» آخرین راهکار است که شامل مواردی مانند تدوین آیین‌نامه رتبه‌بندی نوآوری در هتلداری بر اساس چهار لایه خدماتی و بازاریابی، اعطای گواهی‌نامه رسمی «هتل نوآور» همراه با مزایای مالیاتی و تبلیغاتی و الزام به بازاموزی سالانه کارکنان این هتل‌ها برای حفظ سطح استاندارد نوآوری می‌شود.



مصرف، می‌توان مصرف آب کشاورزی را کاهش و بهره‌وری را افزایش داد. اسپانیا با کاهش سهم آب کشاورزی از ۸۰درصد در دهه ۱۹۹۰ به حدود ۶۵درصد امروز و با سرمایه‌گذاری گسترده در آبیاری تحت فشار و اصلاح الگوی کشت، توانسته است هم امنیت غذایی خود را حفظ کند و هم صادرات محصولات کشاورزی را افزایش دهد، الگویی که می‌تواند برای ایران نیز الهام‌بخش باشد.

نقشه‌راه اصلاح در تنگنای تحریم‌ها

حل بحران آب ایران نیازمند جراحی اقتصادی و مدیریتی و اتخاذ استراتژی‌های مبتنی بر واقعیت‌های داخلی و فرصت‌های بین‌المللی است. در این مسیر، آب مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی باید به‌صورت سیستماتیک و نه مقطعی در سیاستگذاری‌ها لحاظ شود. آب مجازی به معنای واردات هوشمند محصولات آبر و صادرات محصولات کم‌آبر است؛ مفهومی که فراتر از تجارت صرف، نوعی استراتژی بقا در سرزمین‌های کم‌آب محسوب می‌شود. تجربه‌هایی در اردن، اسرائیل و حتی اسپانیا نشان می‌دهد که با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه در زمینه آب مجازی، نه‌تنها فشار بر منابع داخلی کاهش یافته بلکه امنیت غذایی نیز تثبیت شده است. این کشورها توانسته‌اند با انتقال بخشی از نیاز غذایی خود به بازار جهانی، فرصت بازسازی منابع آب داخلی را فراهم آورند و بهره‌وری تولیدات کم‌آبر خود را ارتقا دهند.

۱. اصلاحات اقتصادی و مقاوم‌سازی داخلی

✖ خرد جمعی برای حل بحران‌ها

پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷ مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیای‌اقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله نترازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، ازجمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. در همین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تأکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و به‌رهمندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسوول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبرو بوده است. در یکسو، نوسانات قیمت مواد اولیه، نترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سوی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون متأسفانه همه آن نگرانی‌ها به‌فوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تأکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را ناهموار کرده، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دستک دیپلماسی و تقویت قوای دفاعی کشور و تقویت و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بوده است مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «چایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده امور می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جنبه تولید بر نوسازی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جزء، مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نیاز ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم‌توان‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از بنگهداری و تصدی‌گری بیشتر شود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود.

ضرورت ارتکا بر خرد جمعی برای مواجهه با ابربحران‌ها

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۱۴۰۴، از پیشکسوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش تقدیر کرد و گفت: فدران برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستند. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالهای گذشته تأثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسوول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم.

او ضمن اشاره به برگزاری همایش جامع معدن و صنایع معدنی در ترازوی جهانی افزود: این رویداد در سال‌های بنا ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. نترازی انرژی یکی از همین ابربحران‌هایی است.



سریال تاریخی سرکوب ارزی

عروشیا حسن پور – فاصله‌بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد در هفته گذشته کورزد. در هنگام شوک‌های سیاسی دولت‌ها باهدف کنترل بازار کالا‌های مصرفی، استفاده از نرخ‌های متفاوت ارز را در دستور کار قرار داده‌اند. پس از شکست سیاست «ارز ۴۲۰۰ تومانی» و «ارز نیمایی» حالا نوبت به «ارز تجاری» رسیده تا بار دیگر ناکارآمدی سرکوب قیمتی اثبات شود. سیاستی که انگیزه‌برای صادرات را کاهش داده و موجبات رشد حجم واردات را فراهم کرده است؛ نتیجه‌ای که برخلاف هدف سیاستگذاران است.

در این تصویر، دو پرچم ایران و بانک مرکزی در کنار هم دیده می‌شود.

هفته گذشته فاصله قیمتی میان دلار در بازار آزاد و مرکز مبادله ارز و طلا رکورد زد. با توجه به نقش قابل‌توجه دولت در شرکت‌های خصولتی ارزآور، می‌توان این‌طور ادعا کرد که قیمت دلار در مرکز مبادله ارز و طلا به‌صورت غیرواقعی رقم می‌خورد. فروش ارز شرکت‌های خصولتی که اغلب صنایع بزرگ را تشکیل می‌دهند، یکی از روش‌های دخالت سیاستگذار تجاری را متاثر ساخته است. در چنین فضایی دولت‌ها به‌جای بررسی دلایل ناکارآمدی سیاست‌های ارزی اقدام به سامانه درمانی کرده‌اند که در عمل موفقیت‌آمیز نبوده است. این دست روش‌های ناکارآمد با راه‌اندازی سامانه نیما آغاز شد. سامانه نیما قرار بود به بستری برای عرضه و تقاضای ارز حاصل از صادرات تبدیل شود اما شکست‌های قیمتی دلار مانع از اثربخشی عملکرد این سامانه شد. در واقع دولت با هدف کاهش تورم و فشار تحمیلی به مردم اقدام به تشدید سیاست‌های کنترلی دلار کرد. این اقدامات کنترلی فاصله میان قیمت ارز در بازار آزاد و نرخ‌های رسمی آن را افزایش داد. در دوره فعالیت دولت چهارم مجدداً اصلاح سیاست‌های ارزی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفت. بانک مرکزی با هدف اصلاح مسیر اشتباه و رانتی گذشته اقدام به راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا کرد. با این‌وجود در طول کمتر از یک سالی که از آغاز به‌کار این سامانه می‌گذرد، نارضایتی تجار از عملکرد آن شدت گرفته است. هرچند به اعتقاد بسیاری از فعالان اقتصادی و تجاری سرنوشت محتوم مرکز مبادله ارز و طلا با توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور گریزناپذیر و حتی قابل‌پیش‌بینی بود.

در این تصویر، دو پرچم ایران و بانک مرکزی در کنار هم دیده می‌شود.

«ارز دولت و بانک مرکزی انتقاد دارند. بیست فروردین ماه ۱۳۹۷ اعلام کرد از روز سه‌شنبه دلار تک‌نرخ و به قیمت ۴۲۰۰ تومان فروخته می‌شود.» هدف از این طرح حمایت از افشار آسیب‌پذیر برای کنترل قیمت کالاها کاهش شد. با این‌وجود تشدید فشار حاکم بر بخش‌های اخیر به مرکز مبادله دلار و افزایش نرخ کنترل قیمت ارز، چالش‌های متعددی را به تجارت و پس از آن تولید کشور تحمیل کرد. در عین حال در نبود عملکرد نظارتی صحیح و متناسب با شرایط رانتی، شاهد بروز مفسده‌های اقتصادی و همچنین تحمیل خسارت به کسب‌وکارها بودیم.

هدف اصلی اجرای طرح تثبیت قیمت ارز، یعنی کنترل قیمت کالاها در بازار نیز موفقیت‌آمیز نبود. این دست سیاست‌ها نه‌تنها مانع جوش قیمت ارز و گرانی کالا در بازار داخلی نشد بلکه موجبات توزیع رانت میان برخی افراد را فراهم کرد. بسیاری از واردکنندگان در طول سال‌های گذشته از ارز ترجیحی یا ارز با قیمت مصوب دولتی برای واردات استفاده کرده‌اند، اما نه‌زهیات همین محصولات در بازار با احتساب قیمت دلار آزاد به فروش می‌رسید. کم‌اینکه در سال‌های گذشته جزئیاتی درخصوص پرونده‌های متعددی از فساد گسترده ارزی منتشر شده و توجه عمومی



سریال تاریخی سرکوب ارزی

عروشیا حسن پور – فاصله‌بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد در هفته گذشته کورزد. در هنگام شوک‌های سیاسی دولت‌ها باهدف کنترل بازار کالا‌های مصرفی، استفاده از نرخ‌های متفاوت ارز را در دستور کار قرار داده‌اند. پس از شکست سیاست «ارز ۴۲۰۰ تومانی» و «ارز نیمایی» حالا نوبت به «ارز تجاری» رسیده تا بار دیگر ناکارآمدی سرکوب قیمتی اثبات شود. سیاستی که انگیزه‌برای صادرات را کاهش داده و موجبات رشد حجم واردات را فراهم کرده است؛ نتیجه‌ای که برخلاف هدف سیاستگذاران است.

در این تصویر، دو پرچم ایران و بانک مرکزی در کنار هم دیده می‌شود.

جامعه را به خود جلب کرده است. به بیان صریح‌تر تلاش دولت‌ها برای حمایت از معیشت مردم نه‌تنها به نتیجه مطلوب نرسید بلکه مجموعه‌ای از چالش‌های ادامه‌دار را به همراه داشته است. با این‌وجود برخی سیاستگذاران همواره به تکرار این مسیر اصرار داشته‌اند. ناکارآمدی در سیاست‌های ارزی طی دهه‌های گذشته فعالیت‌های تجاری را متاثر ساخته است. در چنین فضایی دولت‌ها به‌جای بررسی دلایل ناکارآمدی سیاست‌های ارزی اقدام به سامانه درمانی کرده‌اند که در عمل موفقیت‌آمیز نبوده است. این دست روش‌های ناکارآمد با راه‌اندازی سامانه نیما آغاز شد. سامانه نیما قرار بود به بستری برای عرضه و تقاضای ارز حاصل از صادرات تبدیل شود اما شکست‌های قیمتی دلار مانع از اثربخشی عملکرد این سامانه شد. در واقع دولت با هدف کاهش تورم و فشار تحمیلی به مردم اقدام به تشدید سیاست‌های کنترلی دلار کرد. این اقدامات کنترلی فاصله میان قیمت ارز در بازار آزاد و نرخ‌های رسمی آن را افزایش داد. در دوره فعالیت دولت چهارم مجدداً اصلاح سیاست‌های ارزی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفت. بانک مرکزی با هدف اصلاح مسیر اشتباه و رانتی گذشته اقدام به راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا کرد. با این‌وجود در طول کمتر از یک سالی که از آغاز به‌کار این سامانه می‌گذرد، نارضایتی تجار از عملکرد آن شدت گرفته است. هرچند به اعتقاد بسیاری از فعالان اقتصادی و تجاری سرنوشت محتوم مرکز مبادله ارز و طلا با توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور گریزناپذیر و حتی قابل‌پیش‌بینی بود.

در این تصویر، دو پرچم ایران و بانک مرکزی در کنار هم دیده می‌شود.

«ارز دولت و بانک مرکزی انتقاد دارند. بیست فروردین ماه ۱۳۹۷ اعلام کرد از روز سه‌شنبه دلار تک‌نرخ و به قیمت ۴۲۰۰ تومان فروخته می‌شود.» هدف از این طرح حمایت از افشار آسیب‌پذیر برای کنترل قیمت کالاها کاهش شد. با این‌وجود تشدید فشار حاکم بر اقتصاد ایران، در کنار تلاش ناموفق دولت برای کنترل قیمت ارز، چالش‌های متعددی را به تجارت و پس از آن تولید کشور تحمیل کرد. در عین حال در نبود عملکرد نظارتی صحیح و متناسب با شرایط رانتی، شاهد بروز مفسده‌های اقتصادی و همچنین تحمیل خسارت به کسب‌وکارها بودیم.

هدف اصلی اجرای طرح تثبیت قیمت ارز، یعنی کنترل قیمت کالاها در بازار نیز موفقیت‌آمیز نبود. این دست سیاست‌ها نه‌تنها مانع جوش قیمت ارز و گرانی کالا در بازار داخلی نشد بلکه موجبات توزیع رانت میان برخی افراد را فراهم کرد. بسیاری از واردکنندگان در طول سال‌های گذشته از ارز ترجیحی یا ارز با قیمت مصوب دولتی برای واردات استفاده کرده‌اند، اما نه‌زهیات همین محصولات در بازار با احتساب قیمت دلار آزاد به فروش می‌رسید. کم‌اینکه در سال‌های گذشته جزئیاتی درخصوص پرونده‌های متعددی از فساد گسترده ارزی منتشر شده و توجه عمومی

در چنین فضایی تجارت بیش از همه بخش‌های اقتصاد متاثر می‌شود. با توجه به الزام صادرکنندگان به پیمان‌سپاری ارز طبق قیمت‌های مصوب و در شرایطی که بهای این اسکناس در بازار آزاد به شدت بالا رفته، از رغبت به صادرات ارز بازگشت از حاصل از صادرات کاسته خواهد شد. درواقع صادرات در چنین فاصله قیمتی فاقد صرفه اقتصادی لازم خواهد بود. هم‌زمان تقاضا برای واردات و کسب امتیاز با رانت قیمتی نیز بیشتر خواهد شد. در همین حال نوسانات قابل‌توجه ارزی عملاً امکان برنامه‌ریزی برای تولید و تجارت را از فعالان صنعتی و تجاری کشور سلب می‌کند.

زنجیره ناکارآمدی

کامران ندری، استاد اقتصاد در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» و در ارزیابی سیاست بانک مرکزی برای کنترل یا سرکوب قیمت دلار و آثار آن بر عملکردهای تجاری کشور گفت: دولت‌های حاکم بر ایران در طول دهه‌های گذشته سیاست تداوم اعطای ارز ارزان یا بسه بیان دقیق‌تر قیمت‌گذاری دستوری را انتخاب کرده‌اند. طبعاً در چنین شرایطی مکانیسم بازار نتیجه‌بخش و ادامه‌دار نخواهد بود.

وی با اشاره به راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا و جایگزینی آن با سامانه نیما در بازگشت ارز حاصل از صادرات گفت: روسای بانک مرکزی و سیاستگذاران ارزی کشور گمان می‌کردند که با راه‌اندازی بازاری رسمی برای عرضه و تقاضای ارز، مشکلات حاکم بر بازار ارز مرتفع خواهد شد. اما شرایط حاکم بر اقتصاد ایران در عمل کارایی مرکز مبادله ارز و طلا را در بازگشت ارز حاصل از صادرات، بی‌اثر کرد. به این ترتیب در شرایطی که قیمت دلار در بازار آزاد از مرز ۱۱۵ هزار تومان هم عبور کرده، قیمت دلار در تالار اول مرکز مبادله در کانال ۷۲ هزار تومانی نوسان دارد. این استاد اقتصاد افزود: با توجه به اصرار سیاستگذاران به تثبیت قیمت دلار، عملاً سازوکار بازار برای تعیین بهای دلار در هر سامانه‌ای ممکن نیست. البته بانک مرکزی برای قیمت‌گذاری ارز عرضه شده در تالار اول مرکز مبادله ارز و طلا از عرضه ارز حاصل از فروش نفت بهره می‌گیرد. یعنی فروش ارز حاصل از صادرات با قیمت موردنظر نهادهای مسوول و متولی، قیمت دلار را در این مرکز مشخص می‌کند. هرچند ارز حاصل از فروش نفت نیز محدودیت‌های جدی دارد. به این ترتیب با گذر زمان بانک مرکزی در تأمین این ارز و کنترل قیمت ارز با چالش مواجه می‌شود. ندری گفت: صنایع صادرکننده موظف به پیمان‌سپاری ارزی در مرکز مبادله هستند. در شرایطی که فاصله قیمت دلار در بازار آزاد و بازار رسمی تحت کنترل بانک مرکزی، افزایش می‌یابد، از انگیزه صادرات و همچنین بازگشت ارز حاصل از آن کاسته می‌شود. چراکه در چنین شرایطی صرفه اقتصادی صادرات محدود می‌شود. در چنین فضایی طبعاً شاهد رشد صادرات از مبادی غیررسمی یا روش‌های غیررسمی هستیم. وی افزود: سیاستگذار باید امکان تعیین قیمت دلار را در بازار ارز فراهم کند. در غیر این‌صورت، قیمت‌گذاری دلار در سازوکار قیمت‌گذاری انجام خواهد شدد و سامانه‌ای که عرضه دلار در آن انجام می‌شود، فارغ از اسمی که برای آن انتخاب می‌کنند، تفاوت عملکردی نخواهد داشت. وی افزود: البته که بانک مرکزی نیز با فشار جمعی از سیاستگذاران جهت کنترل قیمت دلار مواجه است.

ندری در ادامه گفت: نرخ ترجیحی ارز به‌منزله رشد تقاضا برای واردات است. چراکه دریافت ارز برای واردات به‌منزله امتیازی خواهد بود که رانت نسام دارد. حال هرچه فاصله میان قیمت دلار در بازار آزاد و بازار رسمی بیشتر شود، انگیزه برای دریافت این رانت نیز بیشتر خواهد شد. در همین حال متقاضیان دریافت ارز نیز ترجیح می‌دهند میزان تقاضا برای دریافت ارز را بیش از نیاز واقعی خود، اعلام کنند.

وی گفت: بنابراین باید این‌طور ادعا کرد که در حال حاضر شاهد رانت و ناکارآمدی در فرآیند عرضه و تقاضای ارز هستیم. منظور از ناکارآمدی آن است که ارز حاصل از صادرات، به درستی مصرف نخواهد شد. با این‌وجود نباید فراموش کرد که اقتضا ما با مجموعه‌ای از سیاست‌های دستوری و سرکوب قیمتی مواجه است. ندری تأکید کرد: اصلاح فرآیند قیمت‌گذاری دستوری تنها در یک بخش نه‌تنها ممکن نیست بلکه چالش‌های متعددی را برای اقتصاد به دنبال خواهد داشت. به‌عنوان نمونه دولت‌ها در طول سال‌های گذشته با استناد به همین سیاست قیمت‌گذاری دستوری اقدام به سرکوب دستمزد کرده است. در شرایطی که دولت یا سیاستگذار منابع اصلاح دستمزدها است، طبعاً نمی‌تواند رشد قیمت دلار و آثار تورمی آن بر جامعه را مدیریت کند. بنابراین اصلاح سیاست‌های ارزی در بستری از اصلاحات اقتصادی ممکن و شدنی است.

وی تأکید کرد: اقتصاد ما در چرخه ناکارآمد و معیوبی گرفتار است اما اصلاح این چرخه معیوب به سادگی ممکن نیست، چراکه این اشتباهات در سطح مختلفی سرایت کرده و اصلاح آن نیازمند عزم جدی از سوی دولت و سیاستگذاران است. اما به اعتقاد من چنین عزم و توانی برای اصلاح این شرایط وجود ندارد. کما اینکه در گذشته نیز اراده‌ای برای اصلاح اساسی شرایط وجود نداشته است.

ضرورت پاسخگویی بانک مرکزی

محمدرضا موددی، رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» درباره سیاست‌های شکست‌خورده ارزی کشور و اثرگذاری آن بر روندهای تجاری گفت: در طول سالیان گذشته تجارت خارجی کشور متاثر از عملکرد و اختیارات بانک‌مرکزی بوده است. در چنین فضایی تصمیمات نهادهای فعال در حوزه تجارت خارجی همچون سازمان توسعه‌تجارت یا حوزه بازرگانی وزارت صمت، به آن میزانی که انتظار می‌رود اثرگذار نبوده‌است. وی افزود: تا زمانی‌که سیاست‌های ارزی بر سیاست‌های تجاری کشور ارجحیت دارد، نمی‌توان انتظار بهبود در روند تجارت خارجی کشور را داشت.

او افزود: با توجه به دامنه اختیارات بانک‌مرکزی در تدوین سیاست‌های ارزی و آثار جدی آن بر عملکرد تجاری کشور، این نهاد باید درخصوص اثرات سیاست‌های سرکوب قیمتی بر اقتصاد و تجارت پاسخگو باشد. کسری تراز تجاری و افزایش روند غلبه واردات به صادرات، صادرات مبادی غیررسمی یا هدف بازرگاندان ارز به کشور، کاهش مداوم جذابیت جذب سرمایه به کشور، خروج برندهای واقعی از گردونه تجارت خارجی، تولید، اشتغال‌زایی، و… همگی تحت‌تأثیر سیاست‌های ارزی بانک‌مرکزی قرار گرفته است.

موددی گفت: فعالان اقتصادی و تجاری، در سال‌های گذشته بارها نسبت به ناکارآمدی سیاست‌های ارزی و احتمال بروز مشکلات در روند فعالیت تجار و صنعتگران تحت‌تأثیر این سیاست‌ها هشدار داده بودند. باین‌وجود سیاستگذاران حوزه ارز به‌ویژه تصمیم‌گیران بانک‌مرکزی به تداوم مسیر خود اصرار داشتند. رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت تأکید کرد: سیاست‌های ارزی کشور باید همه‌جانبه باشد و آثار آن در بخش‌های مختلف ازجمله تجارت و تولید نیز موردتوجه تصمیم‌گیران باشد.

در این تصویر، دو پرچم ایران و بانک مرکزی در کنار هم دیده می‌شود.

به گزارش وزارت جهاد کشاورزی، غلامرضا نوری پنج‌شنبه در «سی‌وهفتمین گردهمایی سراسری فرماندهان مهندسی رزمی جنگ جهاد» درباره رشد بخش کشاورزی در یک سال گذشته، خاطرنشان کرد: رشد بخش کشاورزی کشور از منفی ۲.۴ درصد به رشد مثبت ۳.۲درصد رسیده یعنی رشدی معادل ۵.۶ واحد درصد داشته است و این جهش، نه‌تنها نشان از توانمندی داخلی دارد، بلکه ثابت می‌کند بخش کشاورزی می‌تواند موتور محرک توسعه کشور باشد. وی ادامه داد: در یک سال گذشته، تراز تجاری بخش کشاورزی کشور ۳میلیارد دلار بهبود یافته است و از منفی ۱۱میلیارد دلار به منفی ۸میلیارد دلار رسیده است.وزیر جهاد کشاورزی درباره عملکرد این وزارتخانه در تولید محصولات راهبردی افزود: در یک سال گذشته، تولید بیش از ۲۷ درصد و تولید میوه‌های گرمسیری ۵۴درصد افزایش یافته است. نوری با اشاره به این که در تأمین موز، تولید داخلی به بیش از ۵۰ درصد نیاز کشور رسیده است، خاطرنشان کرد: برنامه‌ریزی شده تا پایان دولت چهاردهم، واردات این محصولات به صفر برسد. وی، ادامه داد: همچنین در محصولات راهبردی همچون گوشت قرمز و شکر نیز برنامه خودکفایی با جدیت دنبال می‌شود. وزیر جهاد کشاورزی از تدوین نخستین سند توسعه عدالت‌محور در بخش کشاورزی خبر داد و گفت: عدالت در دسترسی به منابع، توزیع نهاده‌ها، انتصابات و تخصیص مجوزها از اصول جدی ما در وزارتخانه است. در همین راستا، توزیع نهاده‌های یارانه‌ای در مناطق روستایی و بین دامداران کوچک و سنتی بیش از ۲۲ درصد افزایش یافته که نشان‌دهنده رویکرد عدالت‌محور در سیاستگذاری‌هاست.

ارابه‌های مرگ یا خواب‌آلودگی؟



محور فیروزکوه، محدوده امین‌آباد(سپاند) واژگون شد». او گفت: «در این حادثه ۴ نفر از سرنشینان جان خود را از دست دادند و ۲۰ نفر دیگر مجروح شدند. از مجموع مصدومان، ۲ نفر به بیمارستان امام خمینی فیروزکوه، ۲ نفر به بیمارستان سوم شعبان دماوند و ۲ نفر دیگر با بالگرد به تهران اعزام شدند. سایر مصدومان نیز به صورت سربایی درمان شدند. اتوبوس حادثه‌دیده دارای ۳۳ سرنشین بود که به مقصد لاشت، سوادکوه در قالب تور در حرکت بودند». به گفته او، «بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که خستگی و خواب‌آلودگی راننده از عوامل احتمالی واژگونی اتوبوس بوده است و تحقیقات تکمیلی پلیس راه برای تعیین دقیق علت حادثه ادامه دارد»

بررسی علت تصادف اتوبوس دانشجویان

کارن یحیایی، مدیر روابطعمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان سمنان نیز درباره حادثه تصادف اتوبوس دانشجویان در محور سمنان به سرخه و با بیان اینکه «بیش از وقوع این حادثه، یک دستگاه تریلی دچار تصادف شده بود



برنامه‌ریزی برای خودکفایی در محصولات استراتژیک

واژگونی ۲ دستگاه اتوبوس در هفته‌ای که گذشت باعث مرگ دست‌کم ۶ نفر و جراحت و مصدومیت ۳۲ نفر شد. اخبار و گزارش‌های اولیه درباره این حوادث، خواب‌آلودگی و عدم توجه کافی رانندگان از علت اصلی این حوادث اعلام کردند. این در حالی است که تصاویر منتشر شده از این حوادث بحث دیگری را به میان می‌آورد؛ اتوبوس‌های قدیمی و نامناسب! واقعیت این است که اتوبوس دانشگاه پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان سمنان، یک ناوگان شهریه بود که اساساً برای تردد در جاده‌های برون‌شهری فاقد استانداردهای لازم است. همچنین اتوبوسی که در محور فیروزکوه دچار سانحه شد، از مدل اسکانیا کلاسیک ۴۲۱۲ بود که در نسخه‌های اولیه با انتقادهای زیادی همراه بود.کار به جایی رسید که اسکندر مومنی، رئیس پلیس وقت راهنمایی و رانندگی در سال ۱۳۹۲ گفته بود که «به‌رغم اینکه این اتوبوس‌ها تنها ۹.۹ درصد از اتوبوس‌های کشور هستند ولی ۵۲ درصد کشته‌های تصادفات اتوبوس‌ها را به خود اختصاص داده‌اند». مومنی همان زمان از فرصت یک‌ماهه کمیسیون اصل ۹۰ به شرکت خودروساز اسکانیا برای رفع معایب این خودرو خبر داده و اعلام کرده بود که «این شرکت باید تمام خودروهای خود را با نظر پلیس فراخوان و نسبت به اصلاح آن اقدام کند»؛ هرچند در سال ۱۳۹۴ اسکانیا با تعهد به رفع نواقص مجوز خودش را گرفت و توانست مدل‌های مارال و درسا را وارد کند ولی در همان زمان سردار تقی مهری، رئیس پلیس وقت راهنمایی و رانندگی به صراحت اعلام کرده بود که «مدل‌های قبلی اسکانیا با عنوان (۴۲۱۲ کلاسیک) تنها در صورت رفع نواقص، اجازه تردد و شماره‌گذاری خواهند داشت».

فرضیه خواب‌آلودگی راننده و ادامه تحقیقات

سرهنگ احمد کریمی‌اسد، رئیس پلیس راه راهور فراجا دربارہ جزئیات حادثه واژگونی اتوبوس در محور فیروزکوه، گفته است که «ساعت ۷:۴۰ صبح دپورز (۱۱ مهر ۱۴۰۴) یک دستگاه اتوبوس اسکانیا که از میدا قزوین به سمت سوادکوه در حرکت بود، در

دروژ دک: صدای انفجار تجربه خوشایندی نیست



عرفان حمیدی – استقلال پس از شکست تلخ خانگی برابر المحرق بحرین، نه تنها امیدهای آسیایی خود را عمیقاً از دست داد، بلکه با دیگر به هوادارانش نشان داد که این تیم در شرایط فعلی توان رقابت جدی در قاره کهن را ندارد.

صبح یکشنبه برای دوماگوی دروژدک صبحی متفاوت بوده صبحی که نه در تبریز، بلکه در زاگرب آغاز شد. مهاجم کروات تیم تراکتور تبریز همراه با چند بازیکن خارجی دیگر ایران را ترک کرد و به کشورش بازگشت؛ سفری که به گفته او در میان صدای انفجار و نگرانی‌های امنیتی انجام شد.

یک وبسایت کروات گزارش داده که چهار فوتبالیست کروات حاضر در تراکتور ایران را ترک کرده‌اند. در میان آنها، دروژدک و تومیسلاو اشتراکالی در شرایطی حساس تر قرار داشتند، در حالی که ایگور پوستانسکی و تیپور هالیووویچ پیش‌تر ایران را ترک کرده بودند؛ پوستانسکی برای درمان مصدومیت در کراوسی حضور دارد و هالیووویچ نیز چند روزی است برای تمدید گذرنامه‌اش در زاگرب به سر می‌برد.

به گفته دروژدک، روز شنبه او و اشتراکالی تصمیم گرفتند تبریز را ترک کنند. آنها همراه چند بازیکن دیگر با خودرو راهی شهر وان در ترکیه شدند؛ مسیری حدود ۳۵۰ کیلومتری از شمال‌غرب ایران تا مرز ترکیه.

او درباره همراهانش در این سفر می‌گوید: «در آن ون، یک بازیکن از صربستان، الکساندر سدلار، یک بازیکن آلبانیایی به نام رچی لوژکیا و همچنین اودیل خامروویکوف از ازبکستان حضور داشتند؛ علاوه بر تومیسلاو اشتراکالی و من.»

اما آغاز سفر با لحظاتی پر تنش همراه شد. دروژدک می‌گوید دروژدک می‌گفت درست زمانی که با مربی جلسه داشتند، صدای انفجار شنیده شد.

او توضیح می‌دهد:«وقتی داشتیم می‌رفتم، حملات شروع شده بود. درست زمانی که با مربی جلسه داشتیم، بمبی افتاد و صدای انفجار را شنیدیم. نمی‌دانم چقدر از ما دور بود، اما در آن لحظه واقعا ترسیده بودیم.»

او می‌گوید:«خطر ماندن آنجا حتی بیشتر بود. تصمیم گرفتم حرکت کنیم، چون احساس می‌کردیم فقط مناطق نظامی در خطر نیستند و غیرنظامیان هم ممکن است آسیب ببینند.»

آنها پس از حدود دو ساعت و نیم رانندگی به وان رسیدند و از آنجا راهی استانبول شدند. بازیکنان یک شب را در هتلی نزدیک فرودگاه گذراندند و صبح روز بعد به



هاشمیان به ته خط رسید

کاظمی: راه قهرمانی هنوز طولانی است



تیم بسکتبال استقلال در اولین بازی فصل جدید لیگ برتر به سلامت از پیج‌های جاده هراز عبور کرد. استقلال در یک بازی سخت توانست تیم پر مهره کاله را مدل شکست دهد تا ضمن ابتدا برای رقیبا خط و نشان بکشد. درحالی که با توجه به اسکواد پرستاره ای‌ها این فصل همه انتظار قهرمانی از این تیم دارند، ارسالن کاظمی کاپیتان استقلالی‌ها معتقد است ترکیب تیم جوان بوده و حالا حالاها کار دارد.

به رغم اینکه اولین گام فصل جدید را محکم برداشتید اما کمی ناراحت و عصبی به نظر می‌رسید. کاله تیم خوب و باتجربه‌ای است و سالیان سال در بسکتبال سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آنها بازیکنان خارجی خوب و چند ملی‌پوش دارند. در مقابل تیم ما فوق‌العاده جوان است و مقابل کاله بیشتر از اینکه روی بازی خود تمرکز کنیم به خاطر کم‌تجربگی بعضی ازبازیکنان تیم حرض خوردیم. طول می‌کشد تا جوان‌های تیم راه بیفتند و به این درک برسند که چه نکاتی در لحظات حساس مهم است. راه زیادی پیش رو داریم و خوشحالم که توانستیم فصل جدید را با برد مقابل تیم خوب کاله شروع کنیم.

در میان تیم‌های مدعی تا به اینجای کار فقط استقلال است که بازیکن خارجی جذب نکرده، خبری در این باره نیست؟

در حال حاضر صحبت‌هایی در این زمینه مطرح شده است اما از آنجایی که بازیکنان جوان و مستعد زیادی جذب شده، فکر می‌کنم سرمربی تیم قصد دارد تا حد ممکن به بازیکنان جوان فرصت بازی برای کسب تجربه بدهد. حالا شاید این فرصت تا نیم فصل اول یا قبل از پل‌ی‌آف باشد و احتمالاً بعد از آن برای جذب بازیکن خارجی اقدام می‌شود. خیلی در جریان این موضوع نیستیم اما سرمربی اعتقاد دارد که با توجه به کیفیت بازیکنان جوان تیم فعلاً نیازی به بازیکن خارجی نیست.

با ستاره‌هایی که استقلال جذب کرده انتظارات بالا رفته است. تا چه اندازه این فصل خود را مدعی قهرمانی می‌دانید؟

فکر نمی‌کنم با توجه به اولین حضور استقلال در بسکتبال، هواداران شناخت زیادی از بازیکنان و تیم ما داشته باشند اما قطعاً نام استقلال که به میان می‌آید همه انتظار دارند این تیم بهترین نتیجه را بگیرد. اسمال باشگاه استقلال سرمایه‌گذاری زیادی در رشته‌های مختلف کرده است و قطعاً همه از تیم‌های فوتبال و فوتسال بانوان تا هندبال و کشتی و بسکتبال مدعی هستند چرا که نام استقلال را یک می‌کشند. ما تیم خیلی خوب و جوانی داریم اما هنوز کارهای زیادی داریم.

با توجه به تقابل سنتی استقلال و پرسپولیس ممکن است گاهی هواداران تیم‌های رقیب پای کری‌های فوتبالی را به بسکتبال باز کنند. این موضوع چقدر می‌تواند روی روحیه تیم تأثیر بگذارد؟

من خیلی فوتبالی نیستم اما در سالن شعرهایی داده و تکه‌هایی می‌انداختند. به هرحال طبیعی است چرا که ما و تیم فوتبال استقلال زیر پرچم یک باشگاه هستیم و برای آنها هم آرزوی موفقیت می‌کنیم. قطعاً شعرهایی می‌دهند اما این تأثیری ندارد چرا که ما تیم بسکتبال استقلال بوده و از فوتبال مجزا هستیم و تمام تلاشمان را برای بهترین نتیجه می‌کنیم.

زاگرب پرواز کردند.

مهاجم کروات تراکتور درباره مسیر رسیدن تک‌اندندهای داد:«در مسیر مرز ایران و ترکیه، موشک‌ها در آسمان دیدیم. چنین چیزی اصلا عادی نیست. نمی‌دانستم اطرافم دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد. از یک طرف احساس امنیت می‌کنی چون می‌دانی به سمت جای امنی می‌روی، اما از طرف دیگر دیدن موشک‌ها و شنیدن انفجارها تجربه خوشایندی نیست.»

با وجود این تجربه پراضطراب، دروژدک در پایان گفت‌وگو نگاه امیدوارانه‌ای به آینده دارد. وقتی از او پرسیده شد آیا دوباره به ایران بازخواهد گشت یا نه، پاسخی کوتاه اما معنادار داد:«میدوارم.»

پراکندگی ازبک‌های لیگ ایران در چهار گوشه جهان

در شرایطی که رقابت‌های فوتبال ایران تحت تأثیر تحولات اخیر قرار گرفته، بازیکنان ازبکستانی حاضر در لیگ برتر ایران نیز هر کدام مسیر متفاوتی را برای خروج از کشور انتخاب کرده‌اند؛ مسیری که حالا آنها را در چهار نقطه مختلف دنیا پراکنده کرده است.

بر اساس گزارش وبسایت

Championat. asia، تمامی بازیکنان ازبکستانی شاغل در لیگ برتر ایران خاک این کشور را ترک کرده‌اند

و هر یک در مقصدی متفاوت حضور دارند.

در این میان، رستم آشورماتوف مدافع تیم استقلال، در حال حاضر در شهر دبی حضور دارد. هم‌تیمی او، جلال‌الدین ماشرییوف نیز برای پشت سر گذاشتن دوران نفاقت خود راهی ایتالیا شده و فعلاً خارج از ایران به روند درمانی‌اش ادامه می‌دهد.

در سوی دیگر، اوستون اورونوف وینگر تیم پرسپولیس، در حال عبور از مرز ایران به سمت ترکیه گزارش شده است. همچنین ایگور سر گیف مهاجم ازبکستانی شاغل در فوتبال ایران نیز روز گذشته برای ترک ایران و عبور از مرز اقدام کرده است.در این میان، تنها بازیکنی که توانست سریع‌تر به کشورش بازگردد اودیل خامروویکوف، هافبک تیم تراکتور بود. او به دلیل فاصله کمتر شهر تبریز تا مرز، همراه با دیگر بازیکنان خارجی تراکتور از مسیر زمینی عبور کرد و در نهایت خود را به تاشکند رساند.

به این ترتیب، بازیکنان ازبکستانی لیگ ایران در شرایطی متفاوت و در مسیرهایی گوناگون ایران را ترک کردند؛ وضعیتی که نشان می‌دهد تحولات اخیر چگونه حتی مسیر حرفه‌ای فوتبالیست‌های خارجی حاضر در لیگ برتر را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

تلاش جانانه، شکست تلخ

در دیدار نخست تیم ملی فوتبال زنان ایران در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶، تیم مقابل کره‌جنوبی با نتیجه ۰-۵ شکست خورد، نتیجه‌ای که نشان‌دهنده اختلاف مشهود سطح فنی و تجربه بین دو تیم بود. این شکست اگرچه سنگین نبود، اما نقاط ضعف فنی ایران در برابر تیم‌های برتر آسیا را به‌وضوح نمایان کرد و تحلیل فنی بازی می‌تواند به درک بهتر نیازهای تاکتیکی و توسعه فوتبال زنان ایران کمک کند.

از نظر ساختار دفاعی، ایران تلاش کرد با چینش نسبتاً متوازن دفاعی فضاها را ببندد، اما می‌توانست بهتر از موقعیت‌های دفاع جلوه‌گری کند. یکی از چالش‌های مهم در فاز دفاعی، عدم انسجام در پوشش خطوط پستی و کندی در انتقال از کره به میانه زمین بود. در برخی مقاطع بازی، بازیکنان میانه میدان فاصله زیادی با خط دفاع داشتند و این موضوع باعث شد کره‌جنوبی با پاس‌های ترکیبی و حرکات عمقی به راحتی به مناطق خطرناک نفوذ کند. به‌خصوص در پوشش جناحین، سرعت بالای مهاجمان کره باعث شد خط دفاع ایران تحت فشار بیشتری قرار گیرد. در فاز میانی نیز تیم ایران در مدیریت توپ و خلق موقعیت‌های خطرناک ضعف داشت. بازیکنان میانه زمین بارها تحت فشار قرار گرفتند و در سادتر حملات پیوسته ناکام بودند. یکی از اصلی‌ترین مشکلات، عدم توانایی در حفظ توپ و گذر ایمن از خطوط میانی بود؛ موضوعی که مانع ایجاد ضربات برنامه‌ریزی شده و تهدیدآمیز روی دروازه حریف شد. میانه میدان ایران اغلب به‌جای کنترل و توزیع توپ، مجبور به ارسال‌های بلند و نامنظم شد که قابل خواندن برای دفاع کره بود.از منظر حملات، ایران موقعیت‌های چندانی برای ایجاد خطر روی دروازه حریف نداشت. خطوط هجومی تیم، بویژه در فضای پشت مدافعان، نتوانستند از ضعف‌های دفاعی کره بهره‌برداری کنند. این امر نشان‌دهنده نیاز به هماهنگی بیشتر در بین مهاجمان و هافبک‌های تهاجمی برای خلق فرصت‌های گلزنی است. در مجموع، با توجه به اینکه ایران در دومین حضور خود در جام ملت‌هاست، این بازی تجربه ارزشمندی به حساب می‌آید. ضعف در انسداد فضاها در دفاع و مدیریت توپ در میانه میدان، از مهم‌ترین نقاطی است که باید در تمرینات فنی و تاکتیکی تیم ملی مورد توجه قرار گیرد. همچنین ارائه برنامه‌های تمرینی ویژه برای تقویت هماهنگی حمله و افزایش سرعت انتقال‌های تهاجمی می‌تواند در دیدارهای آینده نقش کلیدی داشته باشد.

از اول هم مثل روز روشن بود که با ادامه همان سبک بازی و کیفیتی که پرسپولیس در دو بازی اخیر ارائه داده بود مقابل گل‌گهر نتیجه نخواهد گرفت. تیم تارنار شروع سرحالی در فصل جدید داشت و خوب امتیاز جمع کرده بود و در عوض پرسپولیس گیج و مستأصل به نظر می‌رسید و البته هر بازی چند بازیکن تعیین‌کننده‌اش را نداشت. برای بازی با گل‌گهر چند نفر از مصدومان رسیدند و شرایط نیمکت کمی بهتر شد. ترکیب اصلی فقط یک تغییر داشت و به نظر می‌رسید این بار شروع و ادامه بهتری از پرسپولیس ببینیم. اتفاقاً همین طور هم شد و نیمه اول پرسپولیس در فرم بازی نمایش قابل قبولی داشت. تیم هاشمیان برخلاف بازی‌های قبلی بالا بازی می‌کرد، فاصله خط دفاع تا نوک حمله کم شده بود و میدانداری صحیح و چرخاندن اصولی توپ در تمام نقاط زمین کاری کرده بود تا تیم تارنار از نیمه زمین جلوتر نیاید. متعاقب این نمایش خوب دو موقعیت خیلی خوب تا دقیقه ۱۲ ایجاد شد تا همه توی دل بگوئیم نه، انگار این بار کمی فرق می‌کند اما نمایش تهاجمی تیم هاشمیان باز هم دولت مستعجل بود. ب پس پرسپولیس توانست همان ریتم خوب شروع بازی را تا اواخر نیمه نخست حفظ کند و با کمی فراز و فرود همچنان تیم برتر زمین باشد اما بعد از آن دو موقعیت خوب دوباره در خلق شانس گلزنی عاجز نشان داد و سر آخر یک شانس گل هم به حریف داد.

امیدهای ایران در گروه مرگ



بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران در جریان مسابقه با قطر

بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران در جریان مسابقه با قطر

بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران در جریان مسابقه با قطر

روز پنجشنبه مراسم قرعه‌کشی جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا به میزبانی عربستان برگزار شد و تیم زیر ۲۳ سال ایران، رقیبای خود در این رقابت‌ها را شناخت. با توجه به عملکرد ضعیف ایران در این رده سنی طی دوره‌های اخیر و عدم حضور ایران در نیمه‌نهایی آسیا طی هیچ‌کدام از دوره‌های جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا، ایران در سید سوسوم قرعه‌کشی این رقابت‌ها قرار داشت و این موضوع، عملاً کار ایران برای قرعه‌کشی را دشوار کرد. از سید

یک که در آن عربستان میزبان، زاین، ازبکستان و قطر حضور داشتند، ازبکستان همگروه ایران شد. تیمی که در دوره قبلی مسابقات، با پیروزی مقابل شاگردان رضا عنایتی در مرحله مقدماتی، مانع از صعود ایران به جام ملت‌ها و المپیک ۲۰۲۴ پاریس شد و حالا این مسابقه، فرصت خوبی را برای انتقام ایران فراهم می‌کند. با این حال بر کسی پوشیده نیست که ازبکستان طی سال‌های اخیر در دهه‌های پایه یکی از قدرتهای اصلی آسیا بوده و پس از صعود به المپیک پاریس نخستین بار، در این مسابقات نیز در این مسابقات تیمی کسب عنوان قهرمانی محسوب می‌شود. بدشاسی بزرگ ایران در سید دوم رقم خورده؛ جایی که از بین کره جنوبی، ویتنام، استرالیا و قطر قرعه کره‌جنوبی برای ایران درآمد تا تقریباً گروه مرگ برای تیم ملی کشورمان در رقابت‌های زیر ۲۳ سال ایران شکل بگیرد. ایران در این رده سنی، هیچ‌گاه موفق به پیروزی مقابل تیم کره‌جنوبی نشده و در هر ۴ تقابل خود با کره‌ای‌ها، متحمل شکست شده است. آخرین شکست ایران مقابل کره در رده امیدها، به بازی‌های قهرمانی آسیا در سال ۲۰۲۰ برمی‌گردد که حکم مقدماتی المپیک توکیو را هم داشت. تیم ایران با هدایت حمید اسنیتلی که در آن دوره هم در گروه مرگ قرار داشت، با نتیجه دو بر یک مغلوب کره‌جنوبی شد و از صعود به المپیک ۲۰۲۰ باز ماند. در این مسابقه رضا شکاری تنها گل تاریخ تیم زیر ۲۳ سال ایران مقابل کره‌جنوبی را به نام خود ثبت کرد.از سید چهارم بین چین، سوریه، قرقیزستان و لبنان، لبنانی‌ها رقیب ایران شده‌اند و از بین سه بازی تیم امید در این مسابقات، شانس ایران برای پیروزی در این مسابقه بیشتر است. هرچند که شاگردان روانخواه برای اینکه خود را در قامت مدعی آسیا در فصل میلاد در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ ناگهوا و صعود به المپیک ۲۰۲۸ نشان دهند، چاره‌ای جز طلسم‌شکنی و پیروزی مقابل رقبای درجه یک ندارند. باید این نکته را یادآور شد که این مسابقات، تأثیری روی روند صعود با عدم صعود ایران به المپیک ۲۰۲۸ ندارد و در واقع، جام ملت‌های زیر ۲۳ سال است که اهمیت بالایی در این رده سنی دارد. ایران برای اینکه اوضاع سیدبندی در دوره منتهی به المپیک ۲۰۲۸ تکرار نشود، باید در این مسابقات حداقل از مرحله گروهی صعود کند و شاگردان امید روانخواه پس از عملکرد درخشان در دور مقدماتی، باید در مسابقات اصلی نیز عملکردی فراتر از حد انتظار داشته باشند. ایران در روز ۱۷ دی در این مسابقه به مصاف کره‌جنوبی خواهد رفت، در روز ۲۰ دی با ازبکستان دیدار می‌کند و آخرین مسابقه‌اش در مرحله گروهی روز ۲۳ دی در ورزشگاه باشگاه الشباب مقابل لبنان خواهد بود. در بیش از یک دهه گذشته، تیم امید ایران همواره با ناکامی‌های یبایی در مسابقات قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا دست به گریبان بوده است. از نخستین دوره در سال ۲۰۱۳ با هدایت هومن افاضلی که حذف در مرحله گروهی رقم خورد، تا آخرین دوره در سال ۲۰۲۴ که شاگردان رضا عنایتی حتی موفق به صعود به مسابقات نشدند، هیچ‌گاه نشانی از موفقیت دیده نشده است.

نازون و جنپو از لیست خارج می‌شوند؟

جزئیات رسمی به بیرون درز نکرده است، اما گفته می‌شود سایپنتو از همان ابتدای فصل تمایلی به همکاری با این دو بازیکن نداشت. با این حال، مدیران استقلال به واسطه سفارش کلارنس سیدورف آنها را به باشگاه وصل کردند و از سایپنتو خواستند از آنها استفاده کنند. او علی‌رغم مخالفت‌هایش ناچار شد به توصیه سیدورف تن دهد و جنپو و نازون را در ترکیب تیم به میدان فرستد.

دلیل اصلی مخالفت سایپنتو با موسی جنپو، شناخت کامل او از سطح کیفی این بازیکن بود. سایپنتو معتقد بود جنپو توانمندی لازم برای کمک به استقلال را ندارد، اما با توجه به قرارداد رسمی و سنگین او، امکان فسخ وجود نداشت. شرایطی مشابه ماجرای علی نظری جوبیاری و فابیو کارپله، که اگر فسخ می‌شد، باشگاه باید غرامتی سنگین می‌پرداخت.

در نهایت موسی جنپو با قراردادی در حدود یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار دلار به استقلال پیوست تا به‌عنوان گزینه اختصاصی سیدورف به سایپنتو تحمیل شود.

ماجرای داکتر نازون نیز مشابه مورد قبلی است. او نیز در فهرست مورد نظر سایپنتو قرار نداشت، اما، چون سیدورف با وی به توافق رسیده بود و مدیران باشگاه به دنبال جلب رضایت هواداران ناراضی بودند، نازون نیز جذب شد. عملکرد ضعیف او نشان داد

ورزش

روزنامه **دراقتصاد** **www.marzeghtesad.ir** **شماره ۱۴۰۴** • **شماره ۸۷۴** **سه‌شنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۴۰۴**

◀ دوری از تیم ملی سخت‌ترین روزهای زندگی‌ام بود

به‌ماز طاهرخانی، کاپیتان باتجربه فوتبال بانوان ایران و بازیکن تیم ملوان، از روزهای سخت و شیرین فوتبالش می‌گوید؛ از دوری یکساله از تیم ملی تا بازگشت دوباره با انگیزه‌های بیشتر. او باور دارد سن فقط یک عدد است و آینده فوتبال بانوان ایران با پشتکار بازیکنان و حمایت مسئولان می‌تواند در سطح آسیا و حتی جهان بدرخشد.

علاقه‌تان به فوتبال از کجا شروع شد و چه کسی بیشترین تأثیر را داشت؟

علاقه من به فوتبال از دوران کودکی شکل گرفت و خانواده‌ام همیشه پشتیبانم بودند. همچنین دوست دارم از مربی‌ام خانم جعفری قدرانی کنم که با اعتماد و راهنمایی‌های ارزشمندشان مسیر فوتبالی‌ام را هموار کردند.

شرایط فعلی فوتبال بانوان ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

فوتبال بانوان در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته و بازیکنان مستعد و باتجربه‌ای در تیم ملی حضور دارند. البته اگر حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جدی‌تر شود، می‌توانیم به جایگاه‌های بالاتری در آسیا و حتی عرصه جهانی برسیم. من مطمئنم با تلاش بازیکنان و حمایت مسئولان، آینده فوتبال بانوان ایران روشن خواهد بود.

کاپیتان بودن در تیم ملی و باشگاه چه مسئولیتی برای‌تان دارد؟

کاپیتانی مسئولیت بزرگی است. اما من آن را فرصتی برای کمک به هم‌تیمی‌ها و ایجاد انگیزه می‌دانم. با تمرکز بر تمرینات، حفظ روحیه تیم و همکاری نزدیک با مربیان، سعی می‌کنم فشارها را مدیریت کرده و انرژی مثبت را به تیم منتقل کنم. برای من مهم است که همه با هم پیشرفت کنیم و بهترین نتایج را به دست آوریم.

عملکرد اسمال ملوان نقش‌شمار در تیم چگونه بوده است؟

خیلی خوشحالم که اسمال در کنار تیم جوان، متحد و باتجربه ملوان بازی می‌کنم. بازیکنان ما استعداد زیادی دارند و مطمئنم اگر فرصت داشتیم، چند بازیکن با تجربه بیشتر به تیم اضافه شوند، می‌توانستیم عملکرد بهتری داشته باشیم و قطعاً نتایج بهتری هم می‌گرفتیم. برای من سن فقط یک عدد است؛ آنچه اهمیت دارد تلاش، تمرکز و عشق به فوتبال است. ترکیب تجربه من با انرژی بازیکنان جوان باعث می‌شود عملکرد خوبی داشته باشیم. هواداران ازلی هم همیشه با حمایت‌های پرشورشان انگیزه ما را دوچندان می‌کنند.

سخت‌ترین لحظه ورزشی‌تان چه بوده است؟ حدود یک سال و نیم از تیم ملی دور بودم و این فاصله برایم بسیار سخت بود. اما همین جدایی به من یادآوری کرد که چقدر به تیم ملی کشورم عشق می‌ورزم. در آن دوران با وجود همه چالش‌ها تلاش کردم بهترین عملکردم را حفظ کنم تا برای بازگشت آماده باشم. این تجربه به من آموخت که صبر، پشتکار و تمرکز بر هدف، کلید عبور از سخت‌ترین شرایط است.

بزرگترین آرزوی فوتبالی شما چیست؟

بزرگترین آرزویم این است که همیشه با تعهد و تلاش، بهترین عملکردم را برای تیم ملی و باشگاهم ارائه دهم و در موفقیت‌های ملی و بین‌المللی سهم داشته باشم. امیدوارم الهام‌بخش بازیکنان جوان‌تر باشم و نقشی در رشد فوتبال بانوان ایران ایفا کنم.

اگر به گذشته بازگردید، چه توصیه‌ای به نوجوان فوتبالیست خودتان دارید؟

اگر به گذشته برگردم، به نسخه نوجوان خودم می‌گفتم که همیشه به تلاش و تمرین‌های مستمر ایمان داشته باش و هیچ وقت انگیزه و عشق به فوتبال را از دست نده. همچنین به خودش یادآوری می‌کردم که صبر و پشتکار، همراه با احترام به تیم و هم‌تیمی‌ها، مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به موفقیت است.

■ ■

♥️ **باحترامی یک بازیکن، جرقه جدایی**

هرگاه پرسپولیس روند پر فراز و نشیبی طی می‌کند ناخودآگاه نگاه‌ها به سمت مربی می‌چرخد که موفقیت‌های متعددی را با این باشگاه به دست آورده است. برانکو ایوانکوویچ، مربی سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس یکی از مربیان سرخ‌ها در سال‌های گذشته بود که توانست با این تیم به قهرمانی لیگ برتر و صعود به فینال لیگ قهرمانان آسیا دست یابد.

در واقع نام برانکو به عنوان یک اترناتیو جدی همواره مطرح بوده اما سرمربی پرسپولیس همیشه تلاش کرده اظهاراتی انجام ندهد که موجب ایجاد حاشیه در این باشگاه شود.

صحت با سرمربی سابق پرسپولیس نیز این موضوع را به اثبات می‌رساند که برانکو نسبت به جایی که پیش‌تر در آن فعالیت داشته همواره به احتیاط صحبت می‌کند.

برانکو در گفت‌وگو با «ایران ورزشی» در خصوص حضورش در تیم‌های ملی عمان و چین گفت: «حضور در این دو تیم تجربه خوبی بود.» او در خصوص احتمال حضورش در جمع سرخوشان بیان داشت: «فعلاً هیچ برنامه‌ای ندارم و ترجیح می‌دهم مذاکره‌ای نداشته باشم. البته برای آینده برنامه‌هایی دارم و پیشنهادهایی به دستم رسیده است که برای موافقت با این گزینه‌ها باید شرایط همکاری وجود داشته باشد.»

● دلار ۹۳٫۴۰۰ ● یورو ۱۰۸٫۸۲۰ ● پوند ۱۲۵٫۴۸۰ ● درهم ۲۵٫۵۵۰ ● لیر ۲۰٫۳۰۰ ● سکه ۴۵٫۲۰۰٫۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶٫۷۴۰٫۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴٫۸۰۰٫۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷٫۵۹۰٫۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰٫۱۰۰٫۰۰۰

روزنامهٔ «دراقتصاد» **www.marzeghtesad.ir** **سه‌شنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۴** شماره ۸۷۴ **www.marzeghtesad.ir**

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

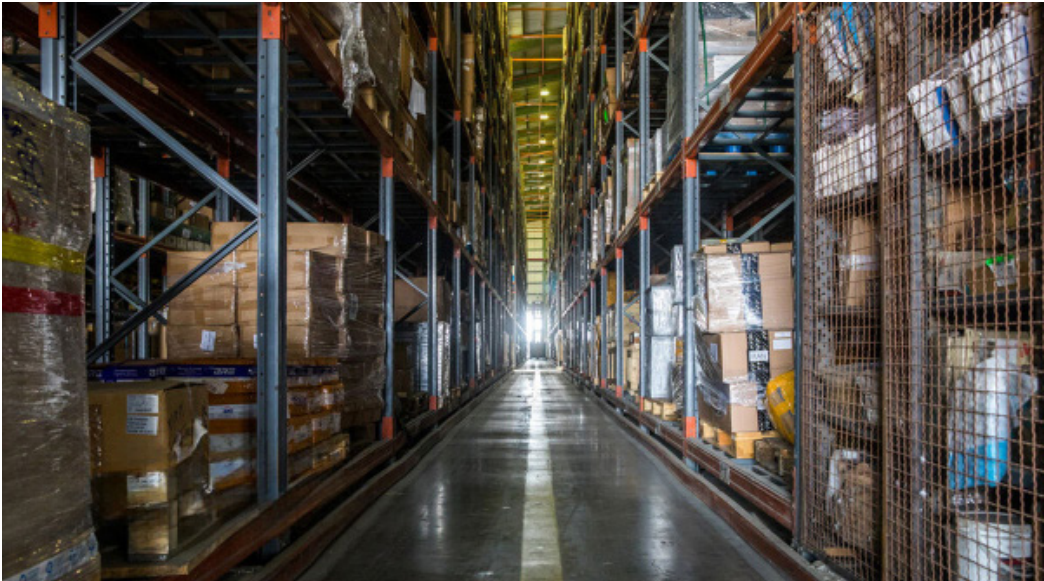
چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر



پیش‌بینی شارژ تورم تولید

مر ترضی اکبری -با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و از آنجا که زمان مشخصی برای فعال شدن مکانیسم ماشه از قبل وجود داشت، این سوال ایجاد شده‌است که آیا دولت پیش‌بینی‌های لازم را برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز تولید انجام داده‌است.

نمای داخلی از یک انبار بزرگ با راهروهای طولانی و سقف‌های بلند. راهروها با کف‌های صاف و دیوارهای سفید رنگ پوشیده شده‌اند. در کنار راهروها، ردیف‌های طولانی از قفسه‌های فلزی قرار دارند که با بسته‌های کوچک و بزرگ پر شده‌اند. نورپردازی در سقف‌ها انجام شده و راهروها کاملاً روشن هستند.

با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و از آنجا که زمان مشخصی برای فعال شدن مکانیسم ماشه از قبل وجود داشت، این سوال ایجاد شده‌است که آیا دولت پیش‌بینی‌های لازم را برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز تولید انجام داده‌است. فعالان بخش خصوصی با اشاره به چالش‌هایی که طی چند ماه اخیر در مورد تأمین نهاده‌های تولید با آن مواجه بوده‌اند، تأکید می‌کنند که از مدت‌ها قبل در این خصوص توصیه‌ها و تذکرات لازم ارائه شده‌است، اما سیاستگذاران به این هشدارها توجه کافی نداشته‌اند. فعالان اقتصادی بار دیگر بر این موضوع تأکید دارند که دولت با تسهیل شرایط در داخل کشور، واردات را به بخش خصوصی واگذار کند، چرا که این بخش همواره مسیر مقرون به صرفه‌تری را نسبت به دولت پیدا می‌کند. انبار هم‌رک فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) /عکس: علیرضا معصومی - ایسنا

آبر صادق نیت حقیقی، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در خصوص تمهیدات برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز بخش تولید با توجه به پیش‌بینی‌ها مبنی بر بازگشت تحریم‌ها گفت: به دلیل این‌که تحریم‌ها از گذشته وجود داشته، هیچ تغییری در روش و اقدامات برای مقابله با تشدید تحریم‌ها درنظر گرفته نشده‌است. توصیه ما این بود که دولت کمک کند تا واحدها ظرفیت تولیدی و صادراتی خود را از دست ندهند. تذکراتی درخصوص موانع تولید و تجارت توسط بخش خصوصی به دولت ارائه شده‌است. اما متأسفانه اقدام پیشگیرانه انجام نشده‌است. سیاستگذاران مانند همیشه منتظر هستند تا ببینند در ادامه چه اتفاقی رخ می‌دهد. به جای این‌که اتفاق را رقم بزیم، منتظر می‌مانیم تا اتفاق پیش بیاید

خود نشان داده‌است.

نمای داخلی از یک انبار بزرگ با راهروهای طولانی و سقف‌های بلند. راهروها با کف‌های صاف و دیوارهای سفید رنگ پوشیده شده‌اند. در کنار راهروها، ردیف‌های طولانی از قفسه‌های فلزی قرار دارند که با بسته‌های کوچک و بزرگ پر شده‌اند. نورپردازی در سقف‌ها انجام شده و راهروها کاملاً روشن هستند.

اندیشکده استیمسون طی گزارشی عنوان کرد که با فعال‌سازی سازوکار ماشه از سوی ترویتکای اروپایی طی روزهای اخیر و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، تهران با افزایش تولید و صادرات نفت خود را آماده کرده‌است. در این گزارش آمده‌است: در بیست روز اول ماه اوت، تولید نفت خام ایران به ۳٫۱۵ میلیون بشکه در روز رسید که بالاترین میزان از سال ۲۰۱۸ محسوب می‌شود، درحالی‌که صادرات به بیش از دومیلیون بشکه در روز رسید و در پایان ماه به ۱٫۸۵ میلیون بشکه کاهش یافت، چین که روزانه بیش از ۱٫۵ میلیون بشکه نفت وارد می‌کند، همچنان بزرگ‌ترین مشتری ایران محسوب می‌شود و تخفیف‌های قابل توجهی نیز در این زمینه دریافت می‌کند. این در حالی‌است که ایران انعطاف‌پذیری قابل توجهی در حفظ صادرات نفت خود در مواجهه با چالش‌های ژئوپلیتیکی فزاینده و تحریم‌های ایدار از خود نشان داده‌است.

این گزارش افزود: از طریق تالیسیات موجود در جزیره خارک، ایران بین ژانویه ۲۰۲۳ و مارس ۲۰۲۵ بیش از ۲۶۸۵ میلیون بشکه نفت، عمدتاً به چین، مالزی و سنگاپور عرضه کرده‌است. این سرسختی و اسقامت در برابر فشارهای خارجی، بر دشواری‌های اجرای تحریم‌های ایالات متحده و همچنین شرایط متغیر ژئوپلیتیکی در بازارهای انرژی تأکید دارد و نشان می‌دهد که برخلاف تصور غرب، محدود کردن جریان صادرات نفت در ایران آنچنان هم ساده نیست. مکانیسم اسنپک با بازگشت سریع تحریم‌ها در برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

پیام‌دی‌کاپریو بر ای درگذشت متخصص شامپانزه‌ه

جین گودال شاخص‌ترین متخصص شامپانزه‌ها در جهان که آثارش در بیش از ۴۰ مستند به تصویر کشیده شده، در ۹۱سالگی در لس‌آنجلس درگذشت. با مرگ گودال، لئوناردو ساعت فیلمی که در آرشیو نشتال جنوگرافیک گردآوری شده روزهای اولیه فیلمبرداری از راه دور امری عادی بود.

جین گودال شاخص‌ترین متخصص شامپانزه‌ها در جهان که آثارش در بیش از ۴۰ مستند به تصویر کشیده شده، در ۹۱سالگی در لس‌آنجلس درگذشت. با مرگ گودال، لئوناردو ساعت فیلمی که در آرشیو نشتال جنوگرافیک گردآوری شده روزهای اولیه فیلمبرداری از راه دور امری عادی بود.

افزایش قیمت و تورم خود را نشان خواهد داد. وقتی که هزینه واردات مواد اولیه افزایش یابد قیمت تمام شده کالا هم افزایش می‌یابد و افزایش هزینه تمام شده به تمام لایه‌های اجتماعی منتقل می‌کند. برخی تصور می‌کنند تولید کالا گران‌تر تمام شود، سود تولیدکننده کاهش می‌یابد و منافش به خطر می‌افتد. درحالی‌که تا همه بخش‌های جامعه درگیر خواهند شد و این طور نیست که صرفاً بخش تولید متاثر شود. وی تصریح کرد: یکی از عناصری که می‌تواند اقتصاد ما را تقویت کند حضور در بازارهای ارزشمند و تعیین کننده‌است تا به وقت تصمیم‌گیری منافع سایر کشورها هم درگیر باشد. وقتی سهمی در بازار جهانی نداشته باشیم تصمیم‌گیری در مورد ما بسیار راحت می‌شود و این مساله به زیان کشور تمام می‌شود. هر چقدر تاثیرگذاری در اقتصاد دنیا افزایش یابد، تصمیم‌گیری برای اعمال محدودیت‌ها بسیار سخت‌تر می‌شود. به دلیل این‌که بحث منافع دیگران هم مطرح است، در شرایط بهتری قرار می‌گیریم. هر چقدر اقتصاد ما کوچک‌تر شود، محدود کردن ما کم هزینه‌تر و راحت‌تر می‌شود. عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در ادامه گفت: به طور کلی با اعمال تحریم‌های سازمان ملل ارتباط ما با کشورهای مبدا واردات قطع نمی‌شود، اما گران‌تر و سخت‌تر می‌شود. باید منتظر تصمیمات این کشورها باشیم و ببینیم تهدیدهای آمریکا برای آنها گران‌تر تمام می‌شود یا مبادله با ایران. ممکن است برخی کشورها برای خرید نفت ایران به دنبال تخفیف‌های بیشتر باشند تا ریسک‌های احتمالی را پوشش دهند. صادق نیت حقیقی درخصوص دور زدن تحریم‌ها نیز گفت: یکی از اهداف تحریم این‌است که راه‌های اصلی، شفاف، سهل، سریع و کم هزینه از بین برود و کشورها را درگیر برآهه‌هایی کند که هزینه و ریسک را افزایش می‌دهد و شفافیت را به شدت کاهش می‌دهد. کاهش شفافیت خود عاملی‌است که اقتصاد کشور را از درون مضمحل می‌کند و مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند.

کار به مردم سپرده شود

علیرضا منقابی، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: در زمینه پیش‌بینی برای پیچیده تر شدن تحریم‌ها، برنامه‌ریزی دقیق انجام نشده‌است. در حال حاضر شاهد این هستیم که به یکباره کمبود مواد اولیه در بازار ایجاد می‌شود و چند روز بعد کمبودها رفع می‌شود. ضمن این‌که برخی کالاها را هم برخی افراد خاص وارد می‌کنند و تجار امکان واردات ندارند. به همین دلیل آمار مشخصی در مورد کم و کیف تأمین مواد اولیه مورد نیاز وجود ندارد.

منقابی افزود: قطعاً یک‌سری مشکلات در کشور پیش خواهد آمد. فعالان اقتصادی با هزینه‌های سربار مواجه می‌شوند. هزینه نقل و انتقالات مالی افزایش می‌یابد. ممکن است واردات مستقیم کالا به ایران انجام نشود. پیشنهاد من این‌است که دولت کار را به مردم بسپارد. بخش خصوصی می‌تواند به مشکلات سر و سامان بدهد و مسیر را پیدا کند. صرفاً از این طریق است که می‌توانیم از این پیچ سخت و خطرناک راحت‌تر و با دغدغه کمتری بگذریم. بیش از ۸۰ درصد عملیات اقتصادی کشور در اختیار دولت و سایر سازمان‌های حاکمیتی‌است و به همین دلیل با مشکلات مختلفی مواجه هستیم. وی در ادامه گفت: میزان افزایش هزینه‌های تولید بستگی به این دارد که با چالش‌های پیش‌رو چگونه برخورد شود. در حال حاضر کالاهای وارداتی در مسیر ورود به کشور است. در هفته‌های آتی مشخص می‌شود که هزینه مواد اولیه تولید تا چه میزان افزایش خواهد یافت. در آن زمان باید بررسی کنیم که با چه راهکاری می‌توان مسیر را باز کرد. اگر امور در اختیار بخش خصوصی باشد، فعالان از منابع خود هزینه می‌کند و بهترین و ارزان‌ترین مسیر را پیدا می‌کند. در غیر این صورت از جیب مردم هزینه خواهد شد. عضو هیات نمایندگان اتاق ایران تأکید کرد: اظهارنظرهای فعلی بر اساس پیش‌فرض‌ها و شرایط فعلی‌است. برای ارزیابی صحیح شرایط باید منتظر واکنش کشورهای مختلف باشیم.

تاثیرپذیری صنعت غذا و دارو

مرتضی کوهنورد، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با خبرنگار «دنیای اقتصاد» گفت: صرفاً بحث تاثیرگذاری مکانیسم ماشه مطرح نیست. به طور کلی از قبل با چالش‌هایی مواجه بودیم و تبعات جنگ تحمیلی ۱۲روزه هم به آن اضافه شده‌است. محدودیت‌های شدیدی ایجاد شده‌است و باید از قبل یک برنامه اساسی در دستور کار قرار می‌گرفت. به دلیل دستورالعمل‌ها و مقررات جدید که بسیار سخت‌گیرانه‌تر از قبل شده، امکان واردات مواد اولیه در سال جاری به شدت کاهش یافته‌است. از مشکلات اصلی فعالان اقتصادی آن‌است که چندین ماه در صف تخصیص ارز منتظر می‌مانند و بعد از تخصیص ارز هم، واردات به سختی امکان‌پذیر است.

گزینه‌های ایران برای مقابله با تحریم‌ها

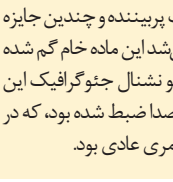
استیمسون در گزارش خود خاطرنشان کرد که تحریم‌های سختگیرانه علیه بخش نفت عادت کرده‌است. تحریم‌های آمریکا علیه صنعت نفتی ایران در دوران بازدهی برجام لغو شده بود، اما پس از خروج یک‌جانبه اولین دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، از برجام در سال ۲۰۱۸ مجدداً اعمال شدند.
مواجهه چندین و چند ساله ایران با تحریم‌های فراگیر نفتی سبب شده تا این کشور بتواند در زمینه اقدامات تحریم‌گریز مانند انتقال نفت کشتی به کشتی، غیرفعال کردن سیستم ردیابی خودکار و سازوکارهای پرداخت جایگزین که شبکه مالی بین‌المللی مبتنی بر دلار را دور می‌زنند، مهارت پیدا کند.

این گزارش خاطرنشان کرد: برای حفظ صادرات، ایران از انعطاف‌پذیری در قیمت‌گذاری استفاده کرده و به دنبال بهبود زیرساخت‌ها و تنوع‌بخشی‌است. ایران با ارائه تخفیف‌های قابل‌توجه برای تضمین تقاضا و انجام سرمایه‌گذاری در ظرفیت پالایشی، خطوط لوله و لجستیک برای اطمینان از جریان‌های باثبات، بازارهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا، از جمله عراق و ونزوئلا و همچنین چین را هدف قرار می‌دهد. این تخفیف‌ها از جریان‌های درآمدی حمایت می‌کنند، حتی اگر درآمد هر بشکه را کاهش دهند. قیمت نفت خام ایران در سال ۲۰۲۵ ۷ به طور کلی در حدود قه‌جایی پایین‌تا مابلی تک می‌باشد که برای هر بشکه بود، و گهگاه تا ۷ تا ۸دلار نیز کاهش می‌یافت.
باین‌حال، گزارش‌های برکننده‌ای از تخفیف‌های حتی بزرگ‌تر نیز وجود داشته‌است.

عکس نوشت



کار تون



مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در جریان سفر یکروزه‌اش به استان هرمزگان یک بار دیگر بحث انتقال پایتخت به سواحل جنوبی کشور را مطرح و آن را یک الزام و نه یک انتخاب توصیف کرد. موضوعی که پیش از این نیز از سال گذشته بارها در سخنان رئیس‌جمهور مطرح شده و واکنش‌های بسیاری را برانگیخته‌است.

پزشکیان روز پنج‌شنبه در دهمین مقصد سفرهای استانی‌اش به هرمزگان علاوه بر طرح موضوع انتقال پایتخت، از نهایی شدن ۸ همت سرمایه‌گذاری داخلی و حدود ۱۷۸میلیون یورو سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه استان هرمزگان خبر داد و اعلام کرد: در مجموع به در نظر گرفتن منابع رسالی و ارزی، بیش از ۶۰ همت پروژه توسعه‌ای و امضای ۴۴طرح در دستور کار قرار دارد. همزمان با سفر رئیس‌جمهور به هرمزگان، دو پروژه ملی آب و برق شامل مرحله دوم آبشیرین‌کن خلیج فارس و نیروگاه سیکل ترکیبی اومینیوم المهدی بندرعباس هم افتتاح شد.

در این بین شاید مهم‌ترین بحث مطرح شده در سفر یکروزه رئیس‌جمهور به استان هرمزگان طرح مجدد انتقال پایتخت باشد. پزشکیان سال گذشته موضوع انتقال پایتخت به سواحل مکران را مطرح کرد و به دنبال آن اعلام شد که مکران گزینه‌های جدی در طرح انتقال پایتخت از تهران است. موضوع به اندازه‌ای جدی شد که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت سال گذشته با اشاره به مطرح شدن انتقال پایتخت به مکران از تشکیل دو شورا در این خصوص خبر داد که علاوه بر بررسی مشکلات پایتخت، روی اقتصاد دریامحور کار کنند. همان زمان بسیاری این ایده را غیرقابل اجرا و در حد طرح و آرزو عنوان کردند، با این حال در سال جاری رئیس‌جمهور در چندین نوبت از طرح انتقال پایتخت دفاع کرده و حتی دست‌سور داده تا هیچ مجوزی برای برنامه‌های توسعه‌ای در فلات مرکزی ایران صادر نشود و همه طرح‌های توسعه‌ای به سواحل جنوبی منتقل شوند. با این حال سخنان روز پنج‌شنبه پزشکیان در هرمزگان نشان می‌دهد این طرح با ایده پیشرفتی نداشته‌است. رئیس‌جمهور روز پنج‌شنبه در نشست با سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی استان هرمزگان با اشاره به یکی از دیدارهای سال گذشته خود در مقام معظم رهبری اظهار کرد: در آن جلسه پیشنهاد دادم که پایتخت را به سمت خلیج فارس منتقل کنیم. وقتی موضوع رسانه‌ای شد برخی انتقاد کردند، اما امروز با دیدن مشکلات، درمی‌یابیم که آن پیشنهاد الزام است، نه انتخاب.

وی با اشاره به ضرورت استفاده از مشاوران خبره اظهار کرد: از مقام معظم رهبری برای استفاده از مشاوران خارجی در طراحی نقشه توسعه جنوب کشور اجازه گرفتیم، اما هنوز اقدام جدی انجام نشده‌است. باید ببذیریم که مسائلی اجتماعی بسیار پیچیده و نیازمند تخصص و تجربه عمیق‌تر است.

اشاره پزشکیان به کسب اجازه از رهبر انقلاب برای استفاده از مشاور خارجی در توسعه مکران است که پیش از این ۳۱دبهبشت اسمال از سوی الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت مطرح شد و او با بیان اینکه رئیس‌جمهور مجوز استفاده از مشاور خارجی در توسعه مکران را از رهبر معظم انقلاب دریافت کردند، گفت: فضا برای سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور و سایر کشورها از جمله آمریکایی‌ها فراهم است و ما از آن استقبال می‌کنیم.

پزشکیان در ادامه سخنانش در نشست با سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی استان هرمزگان با اشاره به روند تمرکززدایی در دولت تصریح کرد: تصمیم گرفته‌ایم اختیارات را از مرکز به استان‌ها منتقل کنیم، تا دیگر این‌گونه نباشد که برخی در پایتخت بنشینند و برای نقاط مختلف کشور تصمیم بگیرند. اختیار را باید به همان منطفه‌ای سپرد که موضوع مربوط به آن است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، پزشکیان اضافه کرد: مشکلاتی که اکنون کشور با آن مواجه‌است، ایجاب می‌کند که مسیر توسعه را به سمت خلیج فارس هدایت کنیم. اکنون تهران، کرج و قزوین با بحران آب روبه‌رو هستند و این بحران به‌راحتی قابل حل نیست. رئیس‌جمهور با ارائه آماری از وضعیت پانزگی و شرایط بحرانی وضعیت آب گفت: کاهش آب پشت سد‌ها، خشک‌شدن برخی چاه‌ها و هزینه‌های بالای انتقال آب از مناطق دیگر، همه نشان‌دهنده ضرورت تغییر رویکرد است. پزشکیان با هشدار نسبت به فرونشست زمین در تهران گفت: این یک فاجعه است و نشان می‌دهد آب زیر پای ما در حال پایان است. رئیس‌جمهور تصریح کرد: حتی با انتقال آب از مناطق جنوبی هم نمی‌توان این روند را ادامه داد. هزینه‌ها بسیار بالا خواهد رفت و زندگی در تهران غیرممکن می‌شود. پزشکیان در ادامه سخنانش تأکید کرد: باید از مشاوران بین‌المللی بخواهیم که نقشه‌ای برای توسعه منطقه طراحی کنند و ما نیز دقیقاً بر اساس همان نقشه عمل کنیم. رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: قبل از انقلاب برخی گفته بودند که ۶۰درصد جمعیت کشور باید به سمت خلیج فارس منتقل شود، اما ما همه توسعه را در اطراف تهران متمرکز کردیم و امروز با بحران آب و فرونشست زمین مواجه شده‌ایم. پزشکیان با تأکید بر ضرورت تغییر نگاه و رفتار گفت: تصمیم جدی گرفته شده که نباید هیچ گسترشی در تهران، کرج و دیگر مناطق مرکزی کشور شکل بگیرد.

انتقال پایتخت؛ الزام یا انتخاب؟

^[1] مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در جریان سفر یکروزه‌اش به استان هرمزگان یک بار دیگر بحث انتقال پایتخت به سواحل جنوبی کشور را مطرح و آن را یک الزام و نه یک انتخاب توصیف کرد

^[2] مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در جریان سفر یکروزه‌اش به استان هرمزگان یک بار دیگر بحث انتقال پایتخت به سواحل جنوبی کشور را مطرح و آن را یک الزام و نه یک انتخاب توصیف کرد